

A Linguistic Analysis of the Russian Formalism School: A Reexamination of Jakobson's Views on Poetic Language and Literary Criticism



Zeinab Sadeghi Sahlabad ✉  0000-0002-7031-0763

Department of Russian Language, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: z.sadeghi@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

The Russian Formalism school, which was consolidated through the theoretical foundations of Roman Jakobson, is considered one of the pivotal advancements in twentieth-century literary criticism and linguistics. This study aims to systematically revisit Jakobson's lesser-examined views in Persian in order to reveal the fundamental role of this school in the evolution of modern literary criticism. Accordingly, through a descriptive-analytical method, Jakobson's series of lectures at Brno University have been thoroughly examined to demonstrate that Russian Formalism, within Jakobson's framework, goes beyond a mere focus on the phonetic and aesthetic features of poetic language and addresses the study of internal structures, semantics, and the complex relationships between sound and meaning in the poetic text. Jakobson, by emphasizing the distinction between the literal meaning of a word and its referential relation to reality, and by introducing concepts such as the "poetic function" and "dominant," transformed literary criticism from a purely historical, ideological, and content-based approach into a paradigm applicable to other art domains. Contrary to unjust criticisms and political pressures, Formalism—through the integration of structural linguistics, philosophy of language, and aesthetics—enabled systematic analysis of literary texts and played a key role in shaping structuralist and semiotic criticism. At the same time, Jakobson acknowledges the internal limitations and paradoxes of the school, including an excessive focus on the autonomy of form apart from historical and social contexts, which can restrict a comprehensive and dialectical understanding of art. This research, while highlighting the significance of Jakobson's lectures as a valuable resource, emphasizes that despite its theoretical challenges, Russian Formalism still holds a distinguished position in language and literature studies.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 04 May 2025
Received in revised form:
20 November 2025
Accepted: 24 November
2025
Available online:
Winter 2025

Keywords:

*form, Russian Formalism,
poetic function, meaning,
dominant, Jakobson..*

Sadeghi Sahlabad, Z. (2025). A Linguistic Examination of the Russian Formalist School: A Reappraisal of Jakobson's Views on Poetic Language and Literary Criticism. *Journal of Foreign Language Research*, 15(4), 379-401. <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.401443.1242>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.401443.1242>

بررسی زبان‌شناختی مکتب فرمالیسم روسی: بازخوانی آراء یاکوبسن در تبیین زبان شاعرانه و نقد ادبی

زینب صادقی سهل آباد *

گروه زبان روسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

z.sadeghi@alzahra.ac.ir



چکیده

مکتب فرمالیسم روسی، که با مبانی نظری رومن یاکوبسن قوام گرفت، یکی از پیشرفت‌های محوری در نقد ادبی و زبان‌شناسی قرن بیستم به شمار می‌آید. هدف از این پژوهش، بازخوانی نظام‌مند آراء کمتر بازخوانی شده‌ی وی در زبان فارسی است تا نقش بنیادین این مکتب در تحول نقد ادبی مدرن نمایان گردد. لذا با روش توصیفی-تحلیلی، مجموعه سخنرانی‌های یاکوبسن در دانشگاه برنو به‌صورت دقیق بررسی شده‌اند تا نشان داده شود که فرمالیسم روسی، در چهارچوب دیدگاه یاکوبسن، فراتر از تمرکز صرف بر ویژگی‌های صوتی و زیبایی‌شناختی زبان شعری، به مطالعه ساختارهای درونی، معناشناسی و روابط پیچیده صوت و معنا در متن شعری پرداخته است. یاکوبسن با تأکید بر تمایز میان معنای لغوی واژه و رابطه ارجاعی آن به واقعیت، و معرفی مفاهیمی چون «کارکرد شاعرانه» و «وجه غالب»، نقد ادبی را از رویکردی صرفاً تاریخی، ایدئولوژیک و محتوایی به محوری قابل تعمیم به دیگر حوزه‌های هنر تبدیل کرد. برخلاف نقدهای ناعادلانه و فشارهای سیاسی، فرمالیسم با تلفیق زبان‌شناسی ساختاری، فلسفه زبان و زیباشناسی، قابلیت تحلیل نظام‌مند متن‌های ادبی را فراهم آورد و نقشی کلیدی در شکل‌گیری نقد ساختارگرایی و نشانه‌شناسی ایفا نمود. درعین‌حال، یاکوبسن به محدودیت‌ها و پارادوکس‌های درونی مکتب نیز اشاره دارد؛ از جمله تمرکز بیش از حد بر استقلال فرم از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی که می‌تواند فهم کامل و دیالکتیکی از هنر را محدود کند. این پژوهش ضمن نشان دادن اهمیت سخنرانی‌های یاکوبسن به‌عنوان منبعی ارزشمند، تأکید می‌کند که فرمالیسم روسی با وجود چالش‌های نظری خود، همچنان در مطالعات زبان و ادبیات جایگاه ویژه‌ای دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۴
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

فرم، فرمالیسم روسی، کارکرد شاعرانه، معنا، وجه غالب، یاکوبسن..

صادقی سهل آباد، زینب. (۱۴۰۴). بررسی زبان‌شناختی مکتب فرمالیسم روسی: بازخوانی آراء یاکوبسن در تبیین زبان شاعرانه و نقد ادبی. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۵ (۴)، ۳۷۹-۴۰۱.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2025.401443.1242



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2025.401443.1242

«فرمالیسم روسی، یکی از مکاتب نقد ادبی در حوزه بررسی ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی است. این مکتب در خلال جنگ جهانی اول در روسیه، به وجود آمد و در سال ۱۹۲۰ شکفت» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۷). مطالعه و تحلیل نظریه‌ها و تحولات مکتب فرمالیسم روسی اهمیت ویژه‌ای در تاریخ نقد ادبی و زبان‌شناسی دارد. این مکتب به‌طور موفق‌تری نقد ادبی را فراتر از رویکردهای گاه سطحی و صرفاً توصیفی ارتقاء داد و چهارچوبی علمی، میان‌رشته‌ای و ساختاری برای آن بنیان نهاد. فرمالیسم با تأکید بر بررسی «فرم» و «کارکرد زبان شاعرانه»، زمینه‌ای نوین برای درک روابط پیچیده میان ساختارهای زبانی، معنایی و زیبایی‌شناختی در آثار ادبی فراهم آورد و بسیاری از محدودیت‌ها و کلیشه‌های پیشین در مطالعات ادبی را به چالش کشید.

«نخستین چهره‌های برجسته فرمالیست‌ها «رومن یاکوبسن»^۱ و «پتر بوجاتیرف»^۲ بودند. از سوی دیگر «ویکتور اشک洛夫سکی»^۳، یوری تینیانوف^۴ و ایخن‌باوم^۵، از چهره‌های برجسته «انجمن مطالعه زبان شعر» موسوم به اوپایاز^۶ بودند» (سلدن و ویدسون، ۱۳۷۷: ۴۶). در واقع منشأ نظریات اعضای این انجمن و همچنین «انجمن زبان‌شناسی مسکو» در آثار پژوهشگران روسی مانند پاتبنیا^۷ (اوحدی، ۱۳۸۷: ۳۰۱) و فسلفوسکی^۸ و در نظریاتی راجع به زبان، ادبیات و فرهنگ نهفته بود (پین، ۱۳۸۲: ۴۱۸). «این دو حلقه به جهت مخالفت با واقع‌گرایی و تأکید بر واژه خودکفا با جنبش شعر فوتوریستی، پیوند داشتند. نخستین نمود فرمالیسم در رساله «رستاخیز کلمه»^۹ از ویکتور اشک洛夫سکی^{۱۰}، در سال ۱۹۱۴ شکوفا شد و تا سال ۱۹۲۹ به طول انجامید و سرانجام با اجبار استالینیسیم از بین رفت» (صمصام و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۲).

در میان نظریه‌پردازان این مکتب، یاکوبسن، زبان‌شناس و نظریه‌پرداز برجسته روسی، نقشی محوری در تبیین

تاریخی، فلسفی و روش‌شناختی آن ایفا کرد. یاکوبسن که عضو کلیدی حلقه زبان‌شناسی مسکو و معروف‌ترین نماینده فرمالیسم روسی بود، بر تعریف ویژگی‌های آنچه «زبان شعری» نامید؛ تمرکز داشت.

پیکره اصلی این پژوهش برگرفته از سخنرانی‌های اولیه یاکوبسن است که در اواسط دهه ۱۹۳۰ میلادی به زبان چکی در دانشگاه برنو در چکسلواکی ایراد شده‌اند. این سخنرانی‌ها در سال ۲۰۱۱ توسط توماش گلانتس^{۱۱} گردآوری شده و توسط بوبراکوا-تیموشکینا^{۱۲} به روسی ترجمه شده‌اند و در کتابی با نام «مکتب فرمالیسم و ادبیات‌شناسی روسی معاصر»^{۱۳} با اعداد یونانی نام‌گذاری و به‌طبع رسیده‌اند. «این نسخه به منابع غیرمستقیمی که یاکوبسن به آنها استناد داشته، اما صریحاً ذکر نکرده است، اتکا کرده و بخش قابل‌توجهی از چهارچوب فکری او را آشکار می‌سازد» (Якобсон, 2011). همچنین این گردآوری شامل اسناد تاریخی مرتبط با روند علمی یاکوبسن، چالش‌ها و فشارهای انتقادی وارد بر فرمالیسم در دهه ۱۹۵۰ است که زمینه دیرینه شکل‌گیری این مکتب و تعامل آن با جریان‌های فکری معاصر را به‌خوبی نشان می‌دهد.

بررسی دقیق سخنرانی‌های یاکوبسن، جنبه‌های متنوع کارکرد شاعرانه را آشکار می‌سازد؛ از جمله تمایز میان معنای واژه و ارتباط آن با واقعیت، و تعامل اجزای صوتی و معنایی زبان شعری. اگرچه یاکوبسن واژه «ساختارگرایی» را به‌طور صریح به کار نبرده، تحلیل متنی نشان می‌دهد رویکرد نظری او پیشگام و بسترساز شکل‌گیری رسمی ساختارگرایی پس از جنگ جهانی دوم بود که در نهایت به درک «ساختاری هنر» انجامید.

مکتب فرمالیسم روسی به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین و نوآورانه‌ترین جنبش‌های نظری در نقد ادبی و زبان‌شناسی قرن بیستم شناخته می‌شود که رویکردی بنیادین به زبان شعری ارائه داده است. این مکتب زبان را فراتر از یک ابزار صرفاً اشاره‌ای یا ارتباطی بازتعریف می‌کند و زبان شعری را

^۹ Воскрешение слова

^{۱۰} Виктор Борисович Шкловский (Viktor Borisovich Shklovsky)

^{۱۱} Т. Гланц (T. Glants)

^{۱۲} Е. Бобракова-Тимошкина (E. Bobrakova-Timoshkina)

^{۱۳} Формальная школа и современное русское литературоведение

^۱ Роман Якобсон (Roman Jakobson)

^۲ Пётр Бугатырев (Petr Bugatirev)

^۳ Виктор Шкловский (Viktor Shklovsky)

^۴ Юрий Тынянов (Yuri Tynianov)

^۵ Борис Эйхенбаум (Boris Eikhenbaum)

^۶ ОПОЯЗ (Opozaz)

^۷ Александр Потебня (Alexander Potebnya)

^۸ Александр Николаевич Веселовский (Alexander Nikolaevich Veselovsky)

به‌عنوان نظامی مستقل، چندلایه، و زبانی با ویژگی‌ها، ساختارها و قوانین ذاتی متمایز معرفی می‌نماید. در این چهارچوب، زبان شعری به‌عنوان یک سازمان پیچیده مورد بررسی قرار می‌گیرد که از ویژگی‌هایی همچون خودبسنده، خودارجاع و تنش‌های پویا میان اجزای واج‌شناختی، معناشناختی و نحوی برخوردار است و همچنین تعامل پیچیده میان فرم و معنا را به‌صورت نظام‌مند کاوش می‌کند. فرمالیسم با بهره‌گیری از روش‌های زبان‌شناسی ساختارگرا و کارکردگرا، تمایز اساسی میان «زبان شعری» و «زبان معمولی» را تشریح می‌نماید و مفاهیمی کلیدی چون کارکرد شاعرانه^۱ و تناقضات زبانی را برجسته می‌کند. این مفاهیم ابزارهای تحلیلی دقیقی را برای بررسی روابط متقابل میان فرم و محتوای زبانی فراهم کرده و به ارزیابی پویایی زبان شعری می‌پردازند.

در انتهای این مجموعه سخنرانی‌ها، گلانتس (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای اهمیت بازنگری در ایده‌های یاکوبسن را از چند منظر کلیدی ارزیابی می‌کند: نخست؛ این سخنرانی‌ها مرور نظام‌یافته و جامعی از روش فرمالیسم ارائه می‌دهند - وظیفه‌ای جمعی و نظام‌مند که پیش‌تر توسط یاکوبسن و دیگر فرمالیست‌ها در مسکو و پراگ تحقق نیافته بود - و این امکان را برای پژوهشگران فراهم می‌آورد تا پیچیدگی‌ها و زمینه‌های نظری فرمالیسم را با دقت بیشتری بررسی کنند. دوم؛ یاکوبسن دو محور اصلی در توسعه فرمالیسم را مطرح می‌کند: محوری تاریخی-زمانی که بر مطالعه پیوسته و گسترده فرهنگ اسلاوی تأکید دارد، و محوری جغرافیایی- فرهنگی که بر استقلال و خودکفایی فرهنگ اسلاوی، به‌ویژه فرهنگ روسی که آن را متمایز و برتر از فرهنگ‌های غربی می‌داند، تأکید می‌کند. این چهارچوب به پژوهشگران کمک می‌کند تا دیدگاه‌های فرهنگی اسلاوی درباره فرمالیسم را بهتر درک کنند. سوم؛ از منظر تاریخی-ادبی، این سخنرانی‌ها نمایی مختصر، اما جامع از تاریخ ادبیات روسیه ارائه می‌دهند که از منابع قرون وسطی و اسطوره‌های آغازین، تا جریان‌های معاصر مانند مایاکوفسکی^۲ و خلبینکوف^۳ امتداد می‌یابد و بدین گونه نه تنها منبعی انتقادی، بلکه تاریخچه‌ای علمی و موجز از شعر روسی فراهم می‌آورد.

چهارم؛ سخنرانی‌ها بر هیمنه مبانی و کتاب‌شناسی پیش از خود، مانند کتاب‌شناسی میخائیل اشتوکمار^۴ (۱۹۳۳) که یاکوبسن نقدی تفصیلی بر آن نوشت، تأکید دارند و نشان می‌دهند که چگونه اندیشه‌های پیشین درباره شعر و فرم‌های شعری روسی به پرورش مفاهیم و مکتب فرمالیسم یاری رساندند (Якобсон, 2011: 102-121).

در کنار این موارد که گلانتس به آنها اشاره داشته است؛ اهمیت ویژه این منابع در زبان فارسی از آن جهت است که علی‌رغم جایگاه شناخته شده یاکوبسن در حوزه زبان‌شناسی و نقد ادبی، آثار او به‌طور کامل به زبان فارسی ترجمه و تحلیل نشده‌اند. بنابراین، بازخوانی نظام‌مند و انتقادی این سخنرانی‌ها، فرصتی ارزشمند برای معرفی دقیق، بومی و مستند مبانی نظری فرمالیسم روسی فراهم می‌آورد که می‌تواند خلأ موجود در پژوهش‌های ایران را تاحدی جبران نماید. از این رو، تحلیل این مجموعه سخنرانی‌ها، به‌عنوان تکمیل‌کننده و تعمیق‌بخش مطالعات فرمالیسم روسی، ضرورت یافته است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌ها است:

الف. مکتب فرمالیسم روسی چه نقش بنیادینی در تحول نقد ادبی مدرن ایفا کرده است و یاکوبسن چگونه این نقش را تبیین می‌کند؟

ب. ویژگی‌ها و نوآوری‌های روش‌شناسانه فرمالیسم روسی از منظر یاکوبسن کدام‌اند؟ به‌ویژه، فرمالیسم چگونه زبان و فرم شاعرانه را به‌عنوان محور مطالعات علمی نقد ادبی تعریف و تحلیل می‌کند؟

۲- روش تحقیق

پیکره اصلی این پژوهش سخنرانی‌های نظریه‌پرداز برجسته مکتب فرمالیسم روسی یاکوبسن، در زمان حضور وی در دانشگاه برنو است تا مفاهیم بنیادین و ساختار نظری این جریان از میان سخنرانی‌های وی استخراج و تبیین گردد. مفاهیمی مانند «کارکرد شاعرانه»، «وجه غالب» و «رابطه میان فرم و معنا» تحلیل شده و در چهارچوب‌های زبانی ساختارگرا و نقد ادبی معاصر تلفیق می‌شوند. بر این اساس، این مطالعه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی میان‌رشته‌ای در ترکیب مباحث زبان‌شناسی، فلسفه و نقد

^۴ Михаил Петрович Штокмар (Mikhail Petrovich Shtokmar)

^۱ поэтическая функция

^۲ Владимир Маяковский (Vladimir Mayakovsky)

^۳ Велимир Хлебников (Velimir Khlebnikov)

ادبی، در پی ارائه تصویری جامع از ساختار نظری فرمالیسم روسی و روشن کردن ظرفیت‌های آن برای نقد ادبی معاصر است.

۳- پیشینه پژوهشی

شاید بتوان گفت اولین کسی که ایرانیان را با فرمالیسم آشنا کرد شفیع کدکنی بود.

«او در کتاب «رستاخیز کلمات» که یکی از آثار معروف وی در زمینه فرمالیسم است، به جنبه‌های زیبایی‌شناختی نظریات فرمالیست‌های روس پرداخته و اثری را ارائه کرده است که نه تنها شالوده تاریخی فرمالیسم را تشریح می‌کند، بلکه تأثیر گسترده آن بر ادبیات و تاریخ اجتماعی ایران را نیز بررسی می‌نماید. تمایل آشکار او به مکتب فرمالیسم روسیه باعث شده است تا آثار و نوشته‌های وی جلوه‌هایی از این گرایش را به نمایش بگذارند» (یحیی‌پور، کریمی‌مطهر و شوستووا، ۲۰۲۳: ۶۵-۶۴).

عنوان «رستاخیز کلمات» خود برگرفته از بیانیه‌ای است که اشکولوفسکی آن را در سال ۱۹۱۴ منتشر کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۲).

ترجمه کتاب «گفتگوهای یاکوبسن و پومورسکا» توسط ساسانی (۱۳۹۴) نقش مهمی در معرفی رومن یاکوبسن به جامعه دانشگاهی ایران ایفا کرده است. ساسانی همچنین در سخنرانی‌های خود بر اهمیت بررسی دیدگاه اعضای حلقه زبان‌شناسی پراگ در ادبیات، به‌ویژه نظرات یاکوبسن، تأکید دارد و سهم انتقادی آن در توسعه نظریه‌های زیبایی‌شناسی، ساختارگرایی و نقد ادبی را برجسته می‌کند. وی مکتب پراگ را به‌عنوان یک جنبش فکری چندملیتی معرفی می‌کند که تحت تأثیر سنت‌های روسی بوده، اما در تعامل پویا با فضای فکری معاصر اروپایی نیز قرار داشته است. همچنین به اهمیت سخنرانی‌ها و انتشارات این مکتب در گسترش و تثبیت چهارچوب‌های نظری آن اشاره می‌کند (<https://www.nasour.net>).

علاوه بر آن، ترجمه کتاب «روندهای بنیادین در دانش زبان» توسط کورش صفوی (۱۳۹۹) و ترجمه کتاب «زبان‌شناسی و نقد ادبی» توسط خوزان و پاینده، که مجموعه‌ای است از نوشته‌های یاکوبسن، لاج، فاولر و بری

(چاپ دوم، ۱۴۰۱)، در گسترش و ترویج نظریات یاکوبسن و مکتب فرمالیسم روسی در ایران نقش داشته‌اند.

شفیعی کدکنی باور دارد که «بسیاری از مفاهیم عمده نقد مدرن و زبان‌شناسی جدید، یا از ذهن یاکوبسن تراوش کرده است و یا در شکل‌گیری آنها سهم بنیادین داشته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۵۳)؛ که در برخی مقالات فارسی‌زبان به نقش محوری یاکوبسن در مطالعات پایه‌ای سایر علوم اشاره شده است؛ از جمله نشانه‌شناسی در مقاله بامشادی و اردکانی (۱۳۹۸: ۲۸) و رمزگردانی در مقاله نبی‌لو (۱۳۹۰: ۸۲). با وجود استفاده گسترده از نظریات یاکوبسن؛ به‌ویژه الگوی ارتباط زبانی وی - نقش‌های شش‌گانه زبانی برای مثال در مقاله (خواجوی و طهماسبی، ۱۳۹۳) - و همچنین نظریه او در باب قطب‌های استعاره و مجازی؛ به‌عنوان چهارچوب نظری در پژوهش‌ها و مقاله‌های متعدد ادبی در ایران، اما همچنان یک خلأ در بررسی نظام‌مند و جامع مبانی نظری یاکوبسن وجود دارد. سخنرانی‌های یاکوبسن که در دهه ۱۹۳۰ در دانشگاه برنو ایراد شده‌اند، تحلیل‌های غنی و مفصلی از زبان شعری، ساختار و معنا در سنت فرمالیسم روسی ارائه می‌دهند. با وجود اهمیت این متون، تاکنون در گفتمان دانشگاهی ایران به‌طور منسجم و کامل مورد توجه قرار نگرفته‌اند. پوشش این خلأ برای تعمیق فهم نظریات یاکوبسن در نقد علمی ادبی و زبان‌شناسی شعری امری ضروری است و همچنین امکان استفاده دقیق‌تر و ظریف‌تر از یافته‌های فرمالیستی را در مطالعات ادبی معاصر ایران فراهم می‌آورد.

۴- بحث و بررسی

ارلیک، نویسنده یک پژوهش عمیق درباره فرمالیسم، بیش از سی سال پیش متذکر شد که «نگاه بازنگرانه به مکتب فرمالیسم روسی موضوعی بزرگ و پیچیده است» (Эрлих, 1992: 3). بازگشت و بازاندیشی در فرمالیسم در روسیه از دهه ۱۹۶۰ توسط دانشمندان مدرسه مسکو-تارتو آغاز شد و فرمالیسم از یک برجسب تحقیرآمیز، مشابه «تروتسکیسم»، که به آثار هنری ناخواسته نسبت داده می‌شد؛ به‌ویژه در کارزارهای سرکوب ۱۹۳۶ و ۱۹۴۸، خارج شد (Овчаренко, 2013: 142).

شفیعی کدکنی دوران خلاقیت علمی و فرهنگی یاکوبسن را به چهار مرحله تقسیم می‌کند:

«۱- دوران مسکو و عصر فرمالیسم او (۱۹۲۰-۱۹۱۴). این دوره او را به حلقه شعری اوپایاز پیوند می‌دهد که شهرت جهانی دارد. ۲- دوران ساختگرایی او (۱۹۳۹-۱۹۲۰). در این مرحله او یکی از چهره‌های مؤثر در حلقه زبان‌شناسی و جمال‌شناسی پراگ است. ۳- مرحله سوم زندگی فرهنگی او (۱۹۴۹-۱۹۳۹) وقتی است که عضو حلقه زبان‌شناسی کپنهاگ و نیز فعال در پایه‌گذاری حلقه زبان‌شناسی نیویورک می‌شود. ۴- از سال ۱۹۴۹ دوران فعالیت‌های چندرشته‌ای او آغاز می‌شود که تدریس در دانشگاه هاروارد و نیز ام‌آی‌تی را شروع می‌کند» (شفیعی کدکنی ۱۳۹۱: ۳۵۲).

چنان‌که از مراحل زندگی او پیداست؛

«یاکوبسن در سال ۱۹۲۰ که حکومت مارکسیستی-لنینیستی شوروی، عرصه را بر حلقه مسکو و فرمالیست‌های روس تنگ ساخت، به پراگ مهاجرت کرد و مطالعات خود را در آنجا پی گرفت، بی‌آنکه پیوند خود را با یاران مسکو و پترزبورگ از جمله باختین و مایاکوفسکی قطع کند. وی در پراگ همراه با سایر پژوهشگران چک، به تأسیس حلقه زبان‌شناسی پراگ در سال ۱۹۲۶ اقدام کرد» (حق‌شناس، ۱۳۸۵: ۸۷).

و در سال ۱۹۳۳ به تدریس در دانشگاه شهر برنو دعوت شد. سخنرانی‌هایی که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند، حاصل حضور شش‌ساله وی در این دانشگاه هستند:

۴-۱- بررسی و تحلیل سخنرانی اول

سخنرانی نخست یاکوبسن (۱۹۳۵) بازخوانی ژرفی از مکتب فرمالیسم روسی و نقش کلیدی آن در بازتعریف نقد ادبی و زبان‌شناسی تجربی است. یاکوبسن فرمالیسم را نه صرفاً جنبشی محدود، بلکه بازتاب سنت‌های ادبی و فرهنگی طولانی روسیه می‌داند که پاسخی به کلیشه‌های غربی پیرامون این مکتب است. مفهوم بنیادین «ادبیت»^۱ که اساس نظری فرمالیسم است، به ویژگی‌های متمایز زبان و ساختارهای فنی متن ادبی اشاره دارد که این متون را از زبان‌های روزمره متمایز می‌کند (احمدی ۱۳۸۶: ۴۲)؛ ادبیت افزوده‌ای بیرونی نیست، بلکه ارزشیابی مجدد کلام در تمام

بخش‌های آن است (Bradford, 1994: 93). یاکوبسن تأکید می‌کند که فرمالیسم با تمرکز بر «فرم» و «زبان» به‌عنوان موضوعات مستقل، نقد ادبی را به رویکردی زبان‌شناسانه و ساختارگرا تبدیل کرده است. او ارتباط تاریخی و فرهنگی فرمالیسم با «سنت‌های بیزانسی، شعر مذهبی، فولکلور و ادبیات کلاسیک روسیه» را نشان می‌دهد و آن را نتیجه طبیعی تحول فرهنگی روسیه معرفی می‌کند که برخلاف دیدگاه‌های ساده‌انگارانه، استقلال نظری این مکتب را تثبیت می‌کند (Якобсон, 2011: 107-108).

سخنرانی یاکوبسن، نقدی است بر برداشت‌های رایج غربی که فرمالیسم را محصولی صرفاً سیاسی می‌دانستند. فرمالیسم رویکردی علمی است که قوانین ساختاری زبان و فرم در ادبیات را کشف می‌کند و بر پایه مفاهیم دقیق زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی قرار دارد. تاریخچه فرمالیسم روسی نشان می‌دهد که این مکتب از حدود ۱۹۱۴ آغاز و تا دهه ۱۹۳۰ به اوج خود رسید؛ این دوره شامل مراحل مختلفی بود: نخست مرحله شکل‌گیری با نقش محوری اشکولوفسکی که به نقد فرم و روش نویسنده تمرکز داشت؛ سپس مرحله‌ای متأثر از فشارهای سیاسی که منجر به انتقال و تحول اندیشه‌ها به اروپای غربی و شکل‌گیری مکتب پراگ به رهبری یاکوبسن شد؛ و در نهایت مرحله سازش و تغییر جهت که تحت تأثیر شرایط سیاسی شوروی رقم خورد. این تحولات نشانگر پویایی نظریه و تعدیل آن بر اساس شرایط تاریخی و فرهنگی است که بر قوت نظریه می‌افزاید و از ایستایی آن جلوگیری می‌کند. همچنین فرمالیسم با روند نوظهور ساختارگرایی و زبان‌شناسی نوین اروپا پیوند خورده و نقد ادبی را به دانش منسجم و قابل آزمون تبدیل کرده است. یاکوبسن با این حال به ضعف‌هایی مانند تمرکز بیش از حد بر فرم و بی‌توجهی به زمینه‌های تاریخی و نقش مخاطب اشاره می‌کند. شفییعی کدکنی معتقد است این نقطه ضعف باعث شده است تا نظریه «در حالتی ایستا باقی بماند و از دینامیسم و پویایی لازم بهره‌مند نشود» (شفییعی کدکنی ۱۳۹۱: ۲۸). یادآوری می‌شود که یاکوبسن این نقدها را بخشی از روند تکامل مکتب می‌داند و بر بازنگری نظری تأکید دارد تا نقد میان‌رشته‌ای بتواند تمامی وجوه اثر هنری را در نظر بگیرد. این سخنرانی الگویی برای تأمل تاریخی و نظری در شکل‌گیری رویکردهای علمی نقد ادبی است و

¹ literariness

نقشی کلیدی در تقویت نقد علمی و دانش نظری ادبیات ایفا می‌کند.

۴-۲- بررسی و تحلیل سخنرانی دوم

سخنرانی دوم رومن یاکوبسن دربارهٔ مکتب فرمالیسم روسی، تحلیل جامع و چندبعدی از این جریان فکری است که به بازخوانی تاریخی، نقد نظام‌مند و بیان بنیانی‌ترین اصول و نوآوری‌های فرمالیسم می‌پردازد. این سخنرانی چهارچوبی علمی و دقیق برای فهم بهتر ماهیت و اهمیت فرمالیسم، به‌ویژه در بستر اجتماعی، تاریخی و فلسفی، فراهم می‌کند و نقدهای ناآگاهانه یا غیرمنصفانه به این مکتب را پاسخ می‌دهد. یکی از محورهای اصلی این سخنرانی، رد قاطع انتقاد غربی دربارهٔ محدود و محلی بودن فرمالیسم روسی در ادامهٔ سخنرانی پیشین است. یاکوبسن نشان می‌دهد که این دیدگاه غالباً ناشی از عدم دانش کافی دربارهٔ تاریخ ادبیات و مطالعات ادبی روسیه است. وی با ارجاع به سنت‌های دیرپا و غنی ادبی روسیه، اثبات می‌کند که نگرش به فرم به‌عنوان مسئله‌ای اساسی و تاریخی در فرهنگ ادبی این کشور ریشه دارد و فرمالیسم، حاصل فرایندی فرهنگی و تحولی عمیق است، نه صرفاً پدیده‌ای واکنشی یا موضعی تازه.

محور دوم سخنرانی دربارهٔ زمینه‌های اجتماعی و فکری است که بر دگرگونی جایگاه فرم تأثیر گذاشت. تغییر سریع در ترکیب طبقهٔ روشنفکر روسیه، به‌ویژه ظهور طبقهٔ دموکراتیک و دور شدن از سنت اشرافی، سبب شد نقد ادبی به مسائل اجتماعی و ایدئولوژیک سوق یابد و توجه به فرم کمتر رنگ شود. شفیی کدکنی به این موضوع اشاره می‌کند که «بسیاری از صاحب‌نظران کوشیده‌اند که فرمالیسم اشک洛夫سکی و هم‌راهان او را فرمالیسم مکانیکی بنامند و این سخن تاحدی به واقعیت نزدیک است» (شفیی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۴). به موازات این تحول، فرمالیست‌ها نظریه‌ای ادبی تدوین کردند که در آن قابلیت‌های تکنیکی و مهارت نویسنده اهمیت می‌یافت و فرایند ادبی با دیدگاهی مکانیکی - هندسی توصیف می‌شد. در این رابطه، «پیتر استاینر، دورهٔ اول فرمالیسم را به مدل «ماشین» تشبیه کرد و نقد ادبی را نوعی علم مکانیک و متن را توده‌ای از تمهیدات به شمار آورد» (محمدیان، ۱۳۸۸: ۱۰۶). این دیدگاه نشان‌دهندهٔ اهمیت ساختار و شکل در ادبیات است، اما در پرتو تحولات اجتماعی، این تأکید بر فرم به تدریج جای خود را به مسائل

اجتماعی و ایدئولوژیک داد و به‌نحوی فرمالیسم «مکانیکی» خوانده شد که بیشتر بر قالب‌ها و اجزای فنی متن تمرکز داشت تا بر تعامل معنایی و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی اثر. این تحول در نقد ادبی، موازنه‌ای میان اهمیت فرم و محتوا در تبیین اثر فراهم کرد و نشان‌دهندهٔ چالش‌های درونی فرمالیسم در مواجهه با دگرگونی‌های اجتماعی بود.

در این راستا باید اذعان کرد؛ تسلط اندیشه‌های ماتریالیستی و مکانیکی که در نیمهٔ دوم قرن نوزده رایج بود، فضایی تجربی‌گرا و حسی‌گرایز ایجاد کرده بود که مسائل زیبایی‌شناسانه و زبان را به حاشیه می‌راند. یاکوبسن با دقت، فلسفهٔ ماتریالیسم مکانیکی را از ماتریالیسم دیالکتیکی که ریشه در فلسفهٔ هگل دارد تمیز می‌دهد و نشان می‌دهد دیالکتیک، امکان تحلیل‌های پیچیده‌تر و ارجاعی‌تر را فراهم می‌آورد، هرچند حتی در عرصهٔ مارکسیسم نیز گرایش‌های مکانیکی به قوت خود باقی مانده بود. در عین حال، برخی پژوهشگران نقدهایی نظیر «امپریالیستی یا ضد مردمی بودن فرمالیسم» (شاه‌کویی ۱۳۹۳: ۱۶) را نیز مطرح کرده‌اند. اما اشک洛夫سکی «هنر را رها از زندگی می‌دانست و معتقد بود رنگ پرچم بر روی آن منعکس نمی‌شود» (Шкловский, 1919: 2-3).

در دههٔ ۱۹۳۰ کلمهٔ «فرمالیسم» به ناسزا تبدیل شد. «فرمالیسم، نامی بود که مخالفان جهت تغییر به این مکتب نهاده بودند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۷). ایخن‌باثوم به این نام این‌گونه واکنش نشان داد: «ما را فرمالیست می‌خوانند، ولی درست‌تر بود اگر به جای فرمالیسم از ریخت‌شناسی استفاده می‌کردند» (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۲). فرمالیست‌ها برای مدت طولانی عملاً هیچ حمایت قابل توجهی خارج از دایرهٔ محدود خود نداشتند. اشک洛夫سکی به حق گفته بود که او و همفکرانش «در میان شیون و تمسخر» پیش می‌رفتند (Шкловский, 1983: 139). اولین مخالفان فرمالیسم عمدتاً مارکسیست‌ها بودند. تروتسکی دیدگاه‌های فرمالیست‌ها را به «کشیش‌مآبی» تشبیه کرده و معتقد بود هر چیزی خارج از مارکسیسم ارتدوکس، نوعی «تاریک‌اندیشی مذهبی» است (Троцкий, 1923). پریورزف نیز نوشت که روش فرمالیست‌ها «به‌طور اصولی با روش جامعه‌شناختی مارکسیست‌ها دشمن است» (Переверзев, 1982: 369).

بورژوازی فرمالیسم - یک کلیشه ایدئولوژیک است که به هرگونه ظهور در هنر اشاره دارد که از چهارچوب‌های دلخواه تعیین شده در اتحاد جماهیر شوروی برای رئالیسم سوسیالیستی فراتر می‌رفت، یا در مقابل آن قرار می‌گرفت. هنر شوروی، فرمالیسم را نظریه‌ای ضد مردمی و بورژوازی می‌دانست. خود اصطلاح «فرمالیسم» به تدریج معنای علمی خود را از دست داد و بار معنایی تحقیرآمیز پیدا کرد؛ چرا که به طور انحصاری برای بدنام کردن هنرمندان و گرایش‌های هنری استفاده می‌شد که با دکترین‌های رسمی هنر منطبق نبودند. این واژه به ابزاری تبدیل شد برای رد و محکوم کردن هرگونه هنر یا نظریه‌ای که با اهداف و سیاست‌های ایدئولوژیک حزب کمونیست در تضاد بود، و عملاً هرگونه نوآوری هنری مستقل را در فضای رسمی سوسیالیستی سرکوب می‌کرد.

«در اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۳۰ و تا اواسط دهه ۱۹۵۰، فرمالیسم به عنوان دشمنی خطرناک شناخته شد و به آن برچسب‌های ایدئولوژیک زده شد. بسیاری از آثار «ضد فرمالیسم» به صورت رسمی منتشر و ادعا شد فرمالیست‌ها به طور غیرقابل جبرانی به فرهنگ شوروی آسیب زده‌اند. با وجود سرنوشت قطعی فرمالیسم، فعالان این مکتب به کار خود ادامه دادند و به موضوعاتی پرداختند که از نظر روش‌شناسی خنثی بودند، مانند تاریخ ادبیات آکادمیک (ایخن باثوم)، نویسندگی (تینیانوف)، نقد ادبی و خاطرات (اشک洛夫سکی)» (Хализев, Холиков, 2015: 9).

تحول تاریخی نگرش به فرم، محور اصلی سخنرانی سوم یاکوبسن را تشکیل می‌دهد که به بررسی دو روند متقابل در نیمه دوم قرن نوزدهم می‌پردازد: نخست، ضعف نسبی سلطه روشنفکران اشرافی که فرم را جوهر مهم می‌شمردند و دوم، هم‌گرایی روشنفکران جدید با نگرشی انتقادی نسبت به فرم. این دگرگونی‌ها، در نهایت زمینه‌ساز باززایی و احیای نظریه‌های فرمالیستی در اواخر قرن شدند. در همین راستا، شفیع کدکنی تصریح می‌کند که میان سه جریان اصلی فرمالیسم، یعنی «فرمالیست‌های سیستم‌گرا، ریخت‌گرا و مکانیستیک»، تضاد و پیوندهای متنوعی وجود دارد؛ بدین‌گونه که سیستم‌گراها و ریخت‌گراها در تنازع

بوده‌اند، ولی سیستم‌گراها با مکانیستیک‌ها روابط مثبت و همکاری سازنده‌ای داشته‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۶).

یکی از دستاوردهای مهم سخنرانی دوم، بازشناسی جایگاه الکساندر پاتینیا به عنوان پیشگامی است که پیوندی میان سنت‌های فلسفی-زبان‌شناسی و فرمالیسم روسی ایجاد کرد. پاتینیا با ترکیب فلسفه رمانتیک ایدئالیستی و روان‌شناسی زبان، مدل مفهومی زبان را به صورت سنتزی از فکر، تصویر و نماد ارائه داد که بعدها توسط فرمالیست‌ها گسترش یافت. یاکوبسن اهمیت شعر را در پژوهش‌های زبان‌شناسی برجسته می‌کند و مفهوم «کارکرد شاعرانه» را معرفی می‌نماید. باوجود این، او به تحریف‌هایی که برخی شاگردان و مروّجان پاتینیا، به‌ویژه در اوکراین، مرتکب شده‌اند هشدار می‌دهد و یادآور می‌شود که بسیاری از فرمالیست‌ها با بازنمایی‌های غیرمستقیم و ساده‌شده مواجه شده بودند.

فرمالیسم روسی در نگاه یاکوبسن نه یک گروه منزوی، بلکه نقطه اوجی در پیوستار نظریه‌های ادبی روسی است که زبان شعری را به عنوان سیستمی ساختاریافته و خودارجاع تحلیل می‌کند. این مکتب با گرایش زبان‌شناختی، بر ویژگی‌های شکلی زبان و کارکردهای آن تمرکز دارد و معنا یا بافت اجتماعی را تنها بخشی از تحلیل نمی‌داند.

از دیدگاه انتقادی فلسفی، رومن یاکوبسن نقدهای غربی را عمدتاً بر پایه ناآشنایی تاریخی تحلیل می‌کند، اما خود متوجه است که برای درک کامل تر و عمیق تر جهان‌بینی فرمالیستی، به تحلیل چندبعدی تر مؤلفه‌های فرهنگی و طبقاتی نیاز است. همچنین برخی نقدها به ناکافی بودن توجه فرمالیست‌ها به بخش‌هایی از فلسفه معاصر وارد شده که نشان‌دهنده محدودیت‌های جهان‌بینی این مکتب است. در ادامه، این محدودیت‌ها و پارادوکس‌ها در دیدگاه ویکتور اشک洛夫سکی نمایان تر می‌شود؛ او در کتاب «درباره نظریه نثر»^۱ (۱۹۲۸) دیدگاهی بسیار تند نسبت به «بی‌اهمیتی» جهان‌بینی نویسنده در آفرینش شعری ارائه می‌کند و جهان‌بینی شاعر را صرفاً «فرضیه کاری» می‌داند که به عنوان مواد اولیه برای ساخت شعر به کار رفته است (Шкловский, 1914-1933: 213-234). این رویکرد به نسبی‌گرایی فلسفی گرایش دارد که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شکل گرفته بود و تحت فشارهای سیاسی موجود در آن زمان

^۱ «О теории прозы»

به تدریج به نوعی «تطابق» یا سازگاری ادبی و ایدئولوژیک تبدیل شد؛ یعنی به جای اینکه یک موضع مستقل و فلسفی باقی بماند، به گونه‌ای شد که نویسندگان و فرمالیست‌ها تلاش کردند آثار خود را مطابق با خواسته‌ها و ایدئولوژی رسمی حکومت تطبیق دهند. این مسئله باعث شد یک «دوگانگی» یا شکاف بین دو حوزه به وجود بیاید: حوزه‌ای که «رسمی» (مورد تأیید قدرت سیاسی) بود و حوزه‌ای که مستقل‌تر یا غیررسمی باقی می‌ماند. پژوهشگران معتقدند این دوگانگی در جهان‌بینی و عملکرد فرمالیست‌ها به یک ویژگی پایدار و ماندگار تبدیل شد و حتی گاهی محل تأمل و بحث عمیق‌تر گردید. به عبارت دیگر، این شکاف نشان‌دهنده تنش‌ها و تضادهای بین آزادی فکری و فشارهای سیاسی است که همواره در آن دوره وجود داشت. با این‌همه، سخنرانی دوم یاکوبسن، پاسخی علمی و مستدل به اتهامات فرمالیسم است که با پیوند دادن تحلیل اجتماعی، تاریخی، فلسفی و زبان‌شناختی، تصویری منسجم و دقیق از مکتب فرمالیسم ارائه می‌کند. یاکوبسن با رد دیدگاه ساده‌انگارانه محدود به فرمالیسم روسی به عنوان واکنشی به کمبود توجه به شکل هنری، تأکید می‌کند که ادبیات روسیه از قرون وسطی تا اوج رئالیسم در قرن نوزده، سنتی مستحکم و مستند در برخورد تخصصی با فرم شعری داشته است. وی این واقعیت را متضمن دانش دقیق و فهم تاریخی از ادبیات روسی و روند توسعه نقد ادبی آن می‌داند و هشدار می‌دهد که هر نقد سازنده‌ای باید بر پایه چنین آگاهی عمیقی بنا شود. چنان‌که برخی پژوهشگران «تاریخ روسیه را به دو دوره کاملاً متفاوت پیشامدرن و مدرن تقسیم می‌کنند و فرمالیسم را حاصل تاریخ و اندیشه مدرن قوم روس می‌دانند» (امن‌خانی، ۱۳۹۷: ۵۳).

پارامانوف در مقاله «فرمالیسم: روش یا جهان‌بینی؟»، فرمالیسم روسی را نه صرفاً به عنوان یک روش تحقیقی در مطالعات ادبی، بلکه به مثابه یک مجموعه جهان‌بینی مرتبط با فلسفه هگل می‌بیند. در این دیدگاه، فرمالیسم بر اساس مفهوم هگلی وحدت فرم و محتوا و کلیت نظام‌مند هنری تعریف می‌شود؛ یعنی فرم اثری هنری، قانون ساختار آن است و محتوا تنها به مثابه توجیهی برای فرم عمل می‌کند. همچنین، نویسنده به تفاوت میان گرایش رماتیک و هگل اشاره دارد، به ویژه در اهمیت فرآیند «آشنایی‌زدایی» در تجربه هنری، که هنر را به شکلی دیالکتیکی، تجربه‌ای تازه

و متمایز از شناخت صرف می‌داند (Парамонов, 1955). این رویکرد، اشکالوسکی را به عنوان فیلسوف‌ترین و نظریه‌پردازترین فرمالیست برجسته می‌کند که با الهام از هگل، ادبیات را به مثابه یک کل خودآیین و زنده می‌نگرد. مقایسه دیدگاه پارامانوف با نظر شفیع‌ی‌کدکنی که فرمالیسم را برآمده از نظریات کانت می‌دانست (۱۳۹۱: ۵۳)، نکات قابل توجهی دارد. کانت فرم را به عنوان پیش‌فرض شناخت مطرح می‌کند و بیشتر بر ساختار ذهنی و قالب‌های تفکر انسان تأکید دارد، درحالی‌که دیدگاه هگلی که در مقاله پارامانوف به آن اشاره شده، یک نگاه دیالکتیکی و تاریخی به فرم و محتوا دارد که فرم را قانون ساختار موضوع می‌داند و رابطه میان اثر و جهان را بازتابنده یک کل زیستی و در حال شدن می‌بیند. به بیان دیگر، اگر کانت فرم را ساختار ذهن بشری برای تجربه می‌دید، فرمالیسم روسی تحت تأثیر هگل، فرم را به عنوان قانون بنیادی شکل‌دهنده به واقعیت و هنری زنده و پویا تلقی می‌کند، که از تحولات تاریخی و روح زمانه متأثر است و به آن پاسخ می‌دهد. بنابراین، نظریه فرمالیسم روسی با تأکید بر وحدت دیالکتیکی فرم و محتوا و همزیستی آنها، فراتر از دیدگاه صرف کانتی به قالب‌ها و ساختارهای ذهنی عمل می‌کند.

در نهایت، یاکوبسن فرمالیسم روسی را نه جریانی انزواطلب، بلکه بخشی از پیوستاری نظری می‌داند که زبان شعر را به مثابه نظامی ساختارمند و خودارجاع تحلیل می‌کند. تأکید اصلی این مکتب بر ویژگی‌های فرم، ساختار و کارکردهای زبانی است، نه صرفاً معنا یا زمینه‌های تاریخی-اجتماعی. اگرچه یاکوبسن تحلیل عمیقی از انتقادهای تاریخی و فلسفی ارائه می‌دهد، با این حال شاید لازم باشد مباحث بیشتری درباره تأثیر متغیرهای طبقاتی و فرهنگی پیچیده‌تر صورت گیرد و همچنین نقدهای فلسفی معاصر غرب با دقت بیشتر مورد بررسی قرار گیرند. این سخنرانی، مبنایی محکم برای درک اصول بنیادین و نوآوری‌های روش‌شناسانه فرمالیسم است و همچنان در مطالعات زبان، ادبیات و فلسفه هنر نقشی بی‌بدیل دارد.

۴-۳- بررسی و تحلیل سخنرانی سوم

سخنرانی سوم یاکوبسن درباره فرمالیسم روسی، به بررسی کارکرد حیاتی و پیوندهای نظری این مکتب با زبان‌شناسی، فلسفه زبان و نظریه ادبی می‌پردازد و در ادامه سخنرانی پیشین، نقش برجسته پاتنیا را به عنوان حلقه

اتصال میان سنت زبان‌شناسی رمانتیک^۱ و نوگرایی فرمالیسم مورد تأکید قرار می‌دهد. این سخنرانی، زمینه‌های نظری و فلسفی تحول فرمالیسم را به شکل تفصیلی واکاوی می‌کند و اهمیت نگاه میان‌رشته‌ای به زبان و ادبیات را به وضوح نشان می‌دهد.

یکی از نکات کلیدی که رومن یاکوبسن در این سخنرانی مطرح می‌کند، نقد صریح و جدی به مکتب زبان‌شناسی «نودستوریان»^۲ است. این مکتب که در اواخر قرن نوزدهم در روسیه شکل گرفت، تحت تأثیر فلسفه مکانیک‌گرایی رایج بود؛ یعنی دیدگاهی که جهان و پدیده‌ها از جمله زبان را مانند یک ماشین با قوانین ثابت و مکانیکی می‌دید. شفییی کدکنی به علاقه فرمالیست‌ها به ماشین اشاره کرده و می‌نویسد: «گویا در فضای رشد فرمالیسم، مسئله ماشین، نگاه تمام اصحاب تفکر را به خود جلب کرده بود» (شفییی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۰).

نقدهای وارده بر نودستوریان در زبان‌شناسی تطبیقی عبارتند از:

«تبدیل تاریخ زبان به طور عمده به تاریخ اصوات و اشکال، که منجر به کم‌توجهی نسبت به مطالعه واژگان و نحو شده بود.

– تسلط نگرش اتم‌وار در مطالعه زبان؛ به گونه‌ای که زبان به جزءهای بسیار کوچک و منفک تقسیم و هر کدام به صورت جداگانه بررسی می‌شد.

– ارتباط نگرش اتمیستی با آناتومیستی: پدیده مورد مطالعه از دیگر پدیده‌ها جدا شده و به طور جافتاده مورد بررسی قرار می‌گرفت، درست مانند کاری که آناتومیست هنگام جدا کردن یک عضو از بدن عامدانه تعامل آن عضو با سایر اعضا را نادیده می‌گیرد. این روش اجازه نمی‌داد زبان به عنوان یک سیستم پویا و یکپارچه مورد مطالعه قرار گیرد.

– تمرکز عمده بر حرکت مواد زبانی از زبان نیا به شاخه‌ها و زبان‌های نوظهور، به طوری که تغییرات در هر شاخه و زبان براساس قوانین آوایی خاص همان زبان تصور می‌شد. کم‌توجهی به تعاملات زبانی میان زبان‌های هم‌خانواده که از لحاظ جغرافیایی به هم نزدیک هستند و تأثیر

زبان‌های دیگر خانواده‌ها بر زبان‌های هندواروپایی نیز از دیگر ضعف‌ها بود.

– عدم در نظر گرفتن امکان ظهور مستقل و هم‌زمان پدیده‌های مشابه در زبان‌های خویشاوند؛ یعنی اگر شباهت‌هایی در زبان‌های هم‌خانواده دیده می‌شد، به اشتباه آن را میراث مشترک از زبان نیا می‌پنداشتند.

– تلقی زبان نیا به صورت یک کل منسجم و یکپارچه و بدون تفکیک به گویش‌ها و عدم توجه به تاریخچه و تحولات زبان نیا پیش از تقسیم آن به زبان‌های مختلف.

این محدودیت‌ها موجب نادیده گرفته شدن ماهیت سیستمی و پیچیده زبان و تعاملات آن شدند و باعث شدند زبان‌شناسی تطبیقی در این مکتب صرفاً بر بخش‌هایی از زبان تمرکز کند و از تحلیل جامع آن بازماند»

<https://studfile.net/preview/9059882/page:7>

(۱)

در مقابل، یاکوبسن مجدداً نقش مهم زبان‌شناس و فیلسوفی چون پاتنیا را برجسته می‌کند. پاتنیا در سنت زبان‌شناسی رمانتیک، دیدگاهی دوگانه و دیالکتیکی نسبت به زبان ارائه کرد. به این معنا که زبان را هم به عنوان یک ساختار ثابت و قانونمند (که او آن را *ergon* یا وجه پایدار و مرتب زبان می‌نامد) و هم به عنوان فعالیتی خلاق، فردی و زنده در لحظه گفتار (که *energeia* یا وجه پویا و عملی زبان خوانده می‌شود) می‌دید. این نگاه تحت تأثیر سنت فلسفی آلمان و آموزه‌های فیلسوف آلمانی هومبولت^۳ بود که برخلاف نگرش مکانیکی و ایستای «نودستوریان»، زبان را موجودی زنده، پویا و در حال تغییر می‌دانست. ایده‌های پاتنیا باعث گشوده شدن راه برای همراهی زبان‌شناسانی چون یاکوبسن و در نهایت پایه‌ریزی مکتب فرمالیسم روسی شد که زبان و فرم را در ادبیات به صورت علمی و چندبعدی‌تر مطالعه کردند.

پاتنیا، بر خلاف مکتب‌های توصیفی و مکانیکی، اهمیت ویژه‌ای به «فرم درونی و انگیزش» کلمه و نقش ترکیب صوت و معنا در ساختار زبان می‌داد. او معتقد بود که کلمه

^۳ Гумбольдт (Humboldt)

^۱ Романтическое языкознание

^۲ Младограмматики (Neogrammarians)

تنها یک «نشانه» ساده نیست، بلکه حامل چندین لایه معناست که در زبان ادبی، به ویژه شعر، به نهایت توسعه و غنای خود می‌رسد و این زبان هنری است که نمونه ایدئال زبان محسوب می‌شود. پیوند میان صوت، معنی و نماد در کلمات، یکی از عوامل تمایز زبان هنر از زبان روزمره است که پاتینیا برجسته می‌کرد.

رومن یاکوبسن، علاوه بر بررسی‌های نظری، به شرایط تاریخی و اجتماعی روسیه نیز توجه ویژه داشت که در شکل‌گیری زبان شاعرانه و مکتب فرمالیسم نقش بنیادین ایفا کردند. او در این سخنرانی به دوره‌ای اشاره می‌کند که کنترل سیاسی شدید و سانسور ادبی سبب گسترش زبان رمزی و استعاری در ادبیات شد. این تجربه نه تنها جهت‌دهنده تولیدات ادبی بود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری رویکردهای خاص به زبان و فرم شد و ساختار زبان شاعرانه را متأثر ساخت. به عبارتی، شرایط اجتماعی و سیاسی موجب شدند زبان در ادبیات روسیه استقلال یافته و روابط نمادین و فرم‌های خاص تقویت شوند.

بالین‌حال، منتقدان نظریه فرایند تکامل ادبی فرمالیست‌ها، با دلایل محکمی معتقد بودند که نگرش فرمالیست‌ها به تکامل تاریخی-ادبی چندان تطورگونه و تدریجی نیست، بلکه مملو از ابهامات و تناقضات است. بر اساس نگاه آنها، «میان فرم‌های متناوب در تاریخ ادبیات رابطه تکاملی روشنی وجود ندارد، هرچند آنها استمرار و شباهت‌هایی میان نسل‌های «نوه‌ها» و «پدربزرگ‌ها» یا «خواهرزادگان» و «عموها» قائل بودند، اما ارتباطی نزدیک‌تر و خطی میان «والدین» و «فرزندان» ادبی را به رسمیت نمی‌شناختند. همچنین مفهوم «سنت» در آثار فرمالیست‌ها یا حذف شده بود یا با رویکردی منفی دیده می‌شد؛ به گونه‌ای که اشکولوفسکی در سال ۱۹۱۹ از رهایی ادبیات از «سلطه سنت» در پی انقلاب روسیه، ابراز شادی کرده بود» (Хализев, Холиков, 2015: 21).

بدین ترتیب، تحلیل تاریخی-اجتماعی یاکوبسن که مؤلفه‌های بیرونی مؤثر بر زبان شاعرانه را برجسته می‌کرد، به خوبی مکمل نقدهای نظری و پارادوکسی بود که در قلب دیدگاه‌های فرمالیست‌ها درباره فرایند تکامل ادبی نهفته است؛ پارادوکسی که باعث شد فرمالیسم، هم به عنوان

مکتبی نوآور و علمی، و هم به مثابه نظریه‌ای بحث‌برانگیز و محدود شناخته شود.

۴-۴- بررسی و تحلیل سخنرانی چهارم

رومن یاکوبسن در چهارمین سخنرانی خود در دانشگاه برنو، بازبینی دقیق و پیشروانه‌ای از مکتب فرمالیسم روسی ارائه می‌دهد و آن را در چهارچوب گسترده‌تر تحولات فکری و روش‌شناسی در مطالعات ادبی روسیه در قرن نوزدهم بازخوانی می‌کند. محور اصلی این سخنرانی، بررسی جایگاه و نقش دو چهره سرشناس در شکل‌گیری زیباشناسی فرمالیسم است: پاتینیا و فسولوفسکی.^۱

یاکوبسن در ادامه سخنرانی پیشین، ابتدا به ویژگی‌های زبان‌شناسی رمانتیک و دیالکتیکی پاتینیا اشاره می‌کند که بر همزیستی سنت و نوآوری در زبان شعری تأکید داشت؛ زبانی که آگاهانه از هنجارهای زبانی فراتر می‌رود و آنها را دگرگون می‌سازد و در مقابل آن، از فسولوفسکی نام می‌برد که نماینده سنت زیبایی‌شناسی تاریخی و پوزیتیویسم (اثبات‌گرایانه) روسیه بود که ادبیات را نوعی توالی از مصنوعات فرهنگی می‌دانست که تحت تأثیر عوامل خارجی تاریخی، اجتماعی و روان‌شناختی قرار می‌گیرند. رویکرد او بر روش‌های تطبیقی تأکید داشت و بیشتر به ردیابی مهاجرت بن‌مایه‌ها و سوزدها در تاریخ ادبیات می‌پرداخت، اما توجه مستقلی به فرم شعری و توسعه درونی آن نداشت. یاکوبسن این رویکرد را نقد می‌کند و بر تحول درونی و «خودحرکتی» فرم به مثابه فرایندی دیالکتیک و مستقل تأکید می‌ورزد، که برخلاف نگاه مکانیکی و صرفاً متأثر از عوامل بیرونی است.

شفیعی‌کدکنی با تأکید بر همین دیدگاه مکانیکی فرمالیست‌های روس، چهار تقابل بنیادی میان هنر و روزمرگی را مطرح می‌کند که همچون نشانه‌ای از نگرش پوزیتیویستی و مکانیکی به هنر عمل می‌کند: «خودکار شدن در مقابل آشنایی‌زدایی، علّیت در مقابل غایت‌گرایی، ماده در مقابل هنر‌سازه و داستان در مقابل پیرنگ» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۲). این تقابل‌ها نشان‌دهنده تمرکز فرمالیست‌ها بر وجه بیرونی و مکانیکی هنر است، بی‌آنکه توجه به توسعه درونی و دینامیک فرم ادبی داشته باشند.

نقطه مرکزی سخنرانی چهارم، مفهوم «تناقضات زبانی» است که از هومبولت آغاز و در نظریات پاتینیا به شکلی خلاق

^۱ Веселовский (Veselovsky)

توسعه یافته است. این مفهوم، دوگانگی‌های پایه‌ای زبان مانند ثبات و تغییر، سنت و خلاقیت، عینیت و ظهور، و دیالکتیک میان مفهوم زبان عمومی^۱ و زبان کاربردی^۲ را در بر می‌گیرد. درک این تناقضات، چهارچوب نظری و پیچیده‌ای برای دانش فرمالیستی فراهم می‌آورد که فراتر از ساده‌نگاری‌های تاریخی است.

بدین ترتیب، یاکوبسن تفاوت‌های روشی میان پاتنیا و فلسوفسکی را نمادی از دو گرایش معرفت‌شناسی عمیق‌تر در مطالعات ادبی قرن نوزدهم روسیه می‌داند: پارادایم رمانتیک و دیالکتیکی پاتنیا که بر خلاقیت شعری و فرم به‌عنوان اصل پژوهش‌های علمی تأکید دارد، و رویکرد تاریخی-پوزیتیویستی فلسوفسکی که بر عوامل خارجی تاریخی تمرکز می‌کند و استقلال فرم را به حاشیه می‌راند. این سخنرانی، پایه‌ای اساسی برای پروژه فرمالیسم روسیه است و ضرورت به‌کارگیری رویکردی ذاتی و زبان‌شناسانه به زیبایی‌شناسی را مجدداً برجسته می‌کند. همچنین به آشتی میان مطالعات تاریخی و تحلیل دقیق فرم اشاره دارد و مشروعیت علمی و ویژگی‌های فرهنگی فرمالیسم را در روند شکل‌گیری آن یادآور می‌شود.

۴-۵- بررسی و تحلیل سخنرانی پنجم

در ادامه موضوع سخنرانی پیشین، یاکوبسن در سخنرانی پنجم خود، به تحلیل روند تحول تئوریک و تاریخی مطالعه شکل و فرم ادبی در روسیه می‌پردازد و جایگاه کلیدی «تاریخ‌نگاری ادبی» و نقادانی چون الکساندر فلسوفسکی را مورد توجه قرار می‌دهد. یاکوبسن تأکید می‌کند که هرچند فلسوفسکی ایده‌های نوآورانه و سازنده‌ای در حوزه پژوهش‌های مربوط به فرم ادبی و به‌ویژه سنت‌های شعری ارائه داد، اما محدودیت‌های فلسفی و روشی او، از جمله نگاه مکانیکی و ماتریالیستی به تغییرات ادبی، مانع از شکل‌گیری یک دیدگاه کامل و نظام‌مند درباره «فرم» و «خلاقیت» در ادبیات شد.

یاکوبسن نشان می‌دهد که شاگردان فلسوفسکی گرچه تلاش کردند بسیاری از ایده‌های استاد خود را پی بگیرند و توسعه دهند، اما همچنان در چهارچوب دیدگاه‌های معاصر آن زمان باقی ماندند و نتوانستند به شکلی بنیادین بر

محدودیت‌های فلسفی و روش‌شناختی غلبه کنند. این بخش از سخنرانی، نظرات و دستاوردهای متعددی را از پژوهشگران مختلف آن دوره - از جمله آنیچکوف^۳، باتوشکف^۴، شیشمارف^۵ و یولاخوف^۶ - را نیز بررسی می‌کند که به‌عنوان پیش‌گامانی در تاریخ ادبیات و مطالعات تطبیقی شناخته می‌شوند، اما همچنان تحت تأثیر حدود نظری فلسوفسکی بوده‌اند (Якобсон, 2011: 52).

یکی از نکات برجسته این سخنرانی، توجه یاکوبسن به وجود دو جریان متضاد در ادبیات روسیه قرن نوزدهم است. یاکوبسن تأکید می‌کند که این تضاد و کشمکش میان نوآوری و سنت‌گرایی، یکی از چالش‌های اصلی ادبیات روسیه آن دوره بوده و بر شکل‌گیری فضای ادبی و فرهنگی تأثیر به‌سزایی داشته است.

یاکوبسن همچنین روندی را توصیف می‌کند که در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با گرایش‌های نو رمانتیک و به‌ویژه ظهور «سمبولیسم» ادبی، توجه به زبان، فرم و به‌ویژه «کارکرد شاعرانه» زبان معطوف شد. این جنبش با رویکردی فلسفی و هنری به زبان و شعر، توجه خود را به‌سوی درونیات زبان و مثال‌های شعر شاعرانه معطوف کرد و تلاش کرد خط بین محتوا و فرم را به‌طور بنیادی بازتعریف کند. سمبولیست‌ها فرم را نه پوسته‌ای بیرونی، بلکه جوهری درونی و متحول‌شونده می‌دیدند که بخشی جدایی‌ناپذیر از معنا و بستر تجربه زیبایی‌شناسانه است. فرمالیست‌ها تأکید داشتند که محتوا یا معنای زبانی نباید به سادگی با فرم شعری به‌عنوان محتوایی بیرونی یا غیرزیبایی‌شناختی مقابله شود. بالعکس، معناشناسی شعری به جزء حیاتی و لاینفک از نظریه فرم شعری تبدیل شد. «ایخن‌باثوم مفهوم فرم را دیگر چون در برگیرنده به کار نمی‌برد، بلکه مجموعه‌ای پویا و مشخص می‌دانست که در خود محتوایی دارد و با این محتوا نسبت درونی یافته است» (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۰۶). و اشک洛夫سکی نیز معانی را چون ماده‌ای برای ساختمان هنری و فرم را مناسبانی می‌دانست که میان عناصر ادبی وجود دارد. از نظر او «مخاطب محتوا را به کمک کشف مناسبات درونی فرم اثر می‌سازد» (ارجی، ۱۳۹۴: ۹۱). این رویکرد بر متون تاریخی ادبی اعمال شد و

^۴ Батюшков (Batyushkov)

^۵ Шишмарев (Shishmarev)

^۶ Евлахов (Evlakhov)

^۱ langue

^۲ parole

^۳ Аничков (Anichkov)

از سردرگمی‌های معمول نقد تاریخی پیشین که معنا را با محتوای بیرونی یا پیام خلط می‌کرد، فاصله گرفت. باوجوداین، یاکوبسن با دقت بیشتری به محدودیت‌های این جنبش می‌پردازد. از جمله نقد می‌کند که گرچه سمبولیست‌ها توانستند ارزش و استقلال زبان شاعرانه را برجسته کنند، اما گرایششان به دیدگاه‌های ایدئولوژیک و شهودی باعث شد که بررسی نظام‌مند، علمی و تاریخی چگونگی شکل‌گیری فرم‌های شعری و توسعه آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گیرد. ضعف سمبولیسم در عدم توجه کافی به زبان‌شناسی و فرآیندهای دقیق زبانی موجب شد که نتوانند نظریه منسجم و جامع تئوریک، درباره فرم و کارکردهای زبان عرضه کنند. در ادامه، یاکوبسن بر نقش برجسته شاعران و نظریه‌پردازانی چون والری بریوسوف^۱، ولادیمیر ایوانوف^۲ و آندری بلی^۳ تأکید می‌کند. آنها با ارائه آثاری که تلفیقی از متون شعری و نظریه‌های استعاری، آواشناسانه و تاریخی بودند، زمینه‌ساز تکامل نقد فرمالیستی شدند، هرچند این آثار هنوز با مشکلاتی مانند کمبود آموزش زبان‌شناسی علمی مواجه بودند. پس از دوران سمبولیسم، جریان‌هایی نوین مانند «فوتوریسم» پدید آمدند که فرم و شکل را محور توجه خود قرار دادند و علاوه بر آن، «استقلال کامل کلمه» و «بیان خالص آواها و اصوات» را بر محتوای معناشناسانه ارجحیت دادند؛ به طوری که زبان به مثابه موجودیتی مستقل، بدون ضرورت ارتباط مستقیم با اشیاء بیرونی معرفی شد. چنین تحولی، فرم را از ابزاری صرف به شاکله‌ای خودمختار تبدیل کرد که می‌تواند ساختارمند باشد و معناهای نو خلق کند. در این میان، مطالعه زبان شعر توسط فرمالیست‌ها حتی پیش از شکل‌گیری رسمی این مکتب آغاز شد و یکی از نمونه‌های شاخص آن، بیانیه «رستاخیز کلمات» اشک洛夫سکی (۱۹۱۴) است که در آن و مقالات پس از آن، بر لذت‌رسانی صوتی و آوایی شعر تأکید شده است. اشک洛夫سکی در مقاله «درباره شعر و زبان زائومی»^۴ (۱۹۱۶) شعر را بیشتر بازی با «رقص اعضای سخن» و لذت بردن از کلمات بی‌معنی می‌داند و معتقد است روزی خواهد آمد که در آن شاعران تنها به اصوات اشتیاق پیدا خواهند کرد (Шкловский, 1990: 58). او همچنین در مقاله

«پیش‌زمینه‌های فوتوریسم»^۵ (۱۹۱۵) به ستایش زبان فرامعناي فوتوریسم می‌پردازد که زبان شعری را از سلطه معنا آزاد می‌کند (8: Шкловский, 1915)؛ ویژگی‌ای که وجه مشخصه فرمالیسم اولیه است و ریشه در تأثیرات فکری فوتوریسم دارد.

با گذشت زمان، برخی از افراط‌های فرمالیسم اولیه تعدیل یا رفع شدند. مفهوم زبان شعری در آثار رومن یاکوبسن گامی به جلو نسبت به تبلیغ زبان زائومی در کارهای اشک洛夫سکی است. یاکوبسن نظریه خود را طی چند دهه توسعه داد. نخستین اثر او، «شعر نوین روسیه» (۱۹۱۹؛ منتشر شده در سال ۱۹۲۱) بود که به خلبنیکوف اختصاص داشت. او مانند اشک洛夫سکی معتقد بود که در شعر «آوای کلام» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: «شعر عبارت است از شکل‌دهی به کلمه‌ای ذاتاً خودارزش و خودزاینده»؛ مانند سخن خلبنیکوف (Якобсон, 1919: 275)، اما در عین حال به این موضوع محدود نمی‌ماند و به بحث درباره آرا و ترکیب‌های نحوی، عبارت‌بندی و انعکاس زبان محاوره‌ای نیز می‌پرداخت. ده سال بعد، مفهوم زبان شعری یاکوبسن در تزه‌ای «انجمن زبان‌شناسی پراگ» (۱۹۲۹) با وضوح بیشتری بیان شد.

لازم به ذکر است که کارهای اولیه یاکوبسن درباره زبان شعری تحت تأثیر فیلسوف اروپایی برجسته، بندیتو کروچه، نیز بود که کتاب او «زیباشناسی به عنوان علم بیان و زبان‌شناسی عمومی» (۱۹۰۲؛ ترجمه روسی ۱۹۲۰) به این نکته اشاره داشت که «حادثه زیباشناختی صرفاً فرم و فقط فرم است»، اما در ادامه می‌خوانیم که «این بدان معنا نیست که محتوا چیز اضافی است»، زیرا محتوا «نقطه شروعی ضروری برای واقعیت بیانی» به شمار می‌رود (Кроче, 1920: 19). به بیان دیگر، کروچه برخلاف فرمالیست‌های روسی، بیان را با تأثیر و شناخت پیوند می‌داد.

نکته مهمی که رومن یاکوبسن به طور هوشمندانه تفکیک کرده، وجود دو رویه متفاوت در فرایند تحول نقد ادبی است: از یک سو، توجه مدرن و مبتکرانه به زبان و استقلال فرم، ظرفیت‌های وسیع‌تری را برای مطالعات نظام‌مند فرمالیسم فراهم آورد و مکتب فرمالیسم را به

^۴ «О поэзии и заумном языке»

^۵ «Предпосылки футуризма»

^۶ оформление самовитого

^۱ Брюсов (Bryusov)

^۲ Иванов (Ivanov)

^۳ Белый (Bely)

رویکردی علمی، خودآگاه و روشمند در تحلیل «فرم» و «کارکرد» در متون ادبی تبدیل کرد؛ رویکردی که نقد ادبی را فراتر از مرور صرف آثار، به علمی میان‌رشته‌ای و تحلیلی ارتقا داد. اما از سوی دیگر، این گرایش جدید با انسداد کارکردهای متنوع هنری زبان و تحمیل ایدئولوژی‌های صلب همراه بود که به ضعف علمی و محدودیت در تحقق نظریه‌ای جامع و کامل منجر شد. در واقع، تحلیل یاکوبسن تصویری کلان و تاریخی از تحول نگاه به زبان شاعرانه در نقد ادبی روسیه فراهم می‌آورد؛ تصویری که از تحولات فلسفی و زبانی پیشینیانی چون پاتینیا و فسوفسکی آغاز شده و با سمبولیسم و فوتوریسم به دگرگونی‌های بنیادین رسیده بود و زمینه‌ساز شکل‌گیری فرمالیسم به‌عنوان جریانی علمی و انتقادی گردید.

خالیزف و خولیکوف در مقاله‌ای، تناقضات فرمالیسم روسی را بررسی کرده‌اند و می‌اندیشند که این ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها به‌خوبی در پارادوکس بنیادینی که در مرکز نظریه‌های فرمالیست‌ها جای دارد، بازتاب می‌یابند؛ پارادوکسی که نفی‌کننده نظریات آنان نیست، ولیکن محدودیت ابزارهای تبیینی ایشان را نمایان می‌سازد و به تلاش برای تکمیل و تعمیق فهم از موضوع اصلی نقد ادبی می‌انجامد. برای نمونه، در نظریه زبان شعری یاکوبسن در مراحل اولیه، دو گزاره اساسی وجود دارد: نخست اینکه «شعر، زبان در کارکرد زیباشناختی آن است» و دوم اینکه «شعر بیانیه‌ای است با هدف بیان»، که یاکوبسن آن را «تنها لحظه اساسی شعر» می‌داند و سایر جوانب را کم‌اهمیت می‌شمارد؛ بنابراین «شعر نسبت به موضوع گفتار بی‌تفاوت است». همچنین به گفته او، زبان شعری عاری از احساس است و «جهان احساسات و عواطف محلی است که همه آنچه نمی‌توان آن را توجیه کرد یا به کار برد در آن جمع می‌شود» و «روح شاعر واقعیتی ثانویه، فرعی و وابسته است». این دوگانگی‌ها و تناقضات آشکار، بیانگر مفهومی از زبان هستند که خود به‌صورت خوداظهاری ظهور می‌یابد و همه آنچه خارج از خود است را نادیده می‌گیرد، که نمونه‌ای بارز از همین پارادوکس مرکزی فرمالیسم است (Хализев, Холиков, 2015: 19-20).

۴-۶- بررسی و تحلیل سخنرانی ششم

سخنرانی ششم یاکوبسن، بررسی تحولات نظری و فرهنگی نقد ادبی در ابتدای سده بیستم و اهمیتی است که

این دوره در تکامل مطالعات «فرم» و «کارکرد شاعرانه» زبان ایفا کرده است. یاکوبسن ابتدا این مرحله را ادامه‌ای از میراث سمبولیسم می‌داند، اما هم‌زمان بر ظرفیت بالاتر آن برای شکل‌دهی به نقدی علمی، نظام‌مند و میان‌رشته‌ای تأکید می‌کند. در واقع، او این دوره را گذار مهمی می‌خواند که از وضعیت ذهنی و رمزگونه سمبولیسم به سمت تعریف روشن‌تر و ساختاریافته‌تر فرم شاعرانه هدایت شده است؛ تحولی که زمینه‌ساز شکل‌گیری مکتب فرمالیسم روسی گردید و توانست نقد ادبی را از داوری‌های فردی، ذهن‌گرایی و فلسفه صرف به حیطه‌ای تحلیلی و علمی بدل کند.

یکی از دستاوردهای کلیدی این دوره، به گفته یاکوبسن، پذیرش «استقلال شکل و فرم شعری» و «خودمختاری کلمه شاعرانه» به‌مثابه حوزه‌ای مستقل بود. برخلاف رویکردهای قبلی که فرم را صرفاً وسیله‌ای برای انتقال معنا می‌دانستند، این نگرش جدید باعث شد؛ ساختارهای درونی زبان شاعرانه با نگاه دقیق‌تر، علمی‌تر و جدی‌تری مورد مطالعه قرار گیرند. این پذیرش، ادامه منطقی و گسترش‌یافته مفاهیم بنیادین سمبولیسم بود، اما هم‌زمان جهشی به‌سوی نقد دقیق قالب‌ها و کشف قوانین درونی زبان ادبی فراهم آورد، زبانی که بدون وابستگی مستقیم به واقعیت‌های عینی یا باورهای فراطبیعی، معنا و جذابیت می‌یابد.

یاکوبسن، ضمن بیان این دستاوردها، محدودیت‌های آن را نیز به‌طور هوشمندانه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد. او هشدار می‌دهد جدا کردن شعر به‌عنوان یک کل خودکفا و مستقل از سایر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، اگرچه ممکن است به تحلیل‌های نظری و آزمایشگاهی کمک کند، اما دو خطر عمده را به همراه دارد: نخست فهم سطحی و بسته از ماهیت شعر که آن را صرفاً عالم مستقلی می‌پندارد و دیگری؛ نادیده گرفتن نقش مهم تعامل تأثیرگذار شعر با جامعه و دیگر پدیده‌های فرهنگی. این محدودیت‌ها هشدار برای پژوهشگران است تا از تمرکز صرف بر فرم و بی‌توجهی کامل به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی پرهیز کنند. پژوهشگران ایرانی در حوزه ارتباط زبان و فرهنگ، پژوهش‌های بنیادین و قابل‌توجهی انجام داده‌اند که اهمیت فرهنگ در مطالعات ادبی و زبانی را به‌خوبی باز می‌نمایاند که از آن جمله می‌توان به **دهمرد و پارسازاده (۲۰۱۵)**، **دهمرد و کیم (۲۰۲۰)** و **(۲۰۲۱)**، **دهمرد و مهدیخانی (۲۰۲۵)** اشاره کرد.

در این راستا، یاکوبسن جایگاه ویژه‌ای به جریان فوتوریسم می‌دهد که برخلاف سمبولیسم، رویکردی علمی‌گرایانه‌تر و انتقادی‌تر نسبت به شعر داشت. فوتوریسم تلاش می‌کرد تا با کنار گذاشتن ایدئولوژی‌های شاعرانه، بر ویژگی‌های ساختاری زبان و اصول علمی مطالعه شعر متمرکز شود. در این جریان، زبان شاعرانه با تأکید بر استقلال و خودمختاری کلمه به شکلی جدی‌تر مورد تحلیل قرار گرفت و همکاری نزدیکی میان شاعران فوتوریست و زبان‌شناسان برقرار گردید.

برای تأکید بر این تحولات، یاکوبسن به برخی چهره‌های شاخص اشاره می‌کند؛ از جمله ولادیمیر مایاکوفسکی که از شاعران برجسته و انقلابی مکتب فوتوریسم روسی بود. مایاکوفسکی با نوآوری‌های زبانی و هنری خود نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه فرمالیسم روسی داشت. او بر استقلال و خودمختاری زبان شاعرانه تأکید ورزید و نشان داد چگونه فرم، ریتم و آوا می‌توانند حامل احساسات و ایده‌ها باشند، امری که کاملاً با رویکرد فرمالیسم در توجه خاص به ساختارهای درونی متن هماهنگ است. فعالیت‌های هنری و سیاسی مایاکوفسکی نیز موجب پیوند تاریخی میان فرمالیسم، فوتوریسم و تحول فرهنگی و اجتماعی پس از انقلاب روسیه گردید، به‌طوری که فرمالیسم به جنبشی علمی و انقلابی در نقد ادبی بدل شد. باید یادآور شد: «ایده‌هایی که مایاکوفسکی بیان کرده بود، و همچنین مقاله وی با نام «چگونه شعر بگوییم؟» بر روی شاعران ایرانی تأثیرگذار بوده است» (یحیی‌پور، کریمی‌مطهر و اسماعیلی، ۲۰۱۰: ۷۶).

یاکوبسن در این سخنرانی بر نقش برجسته ولادیمیر بریوسوف و ولادیمیر ایوانوف در مکتب فرمالیسم تأکید کرده است. او به اهمیت ویژه بریوسوف به فرم شعری، ساختارهای صوتی و ریتمی اشاره می‌کند که زمینه‌ساز نقد علمی و ساختاری شعر شد. همچنین جایگاه ایوانوف را به‌عنوان یکی از پیشگامان نظریه ادبی، به‌ویژه مفهوم «کارکرد شاعرانه» و تحلیل رابطه «صدا» و «تصویر» در شعر، برجسته می‌داند و نقش آنها را در معرفی زبان شاعرانه به‌عنوان نظامی مستقل و قابل تحلیل علمی، مهم می‌شمارد.

یاکوبسن همچنین تصویر جامعی از گذار تاریخی و نظری نقد ادبی در آغاز سده بیستم ارائه می‌دهد؛ گذاری که از ذهنیت رمزگونه سمبولیسم به سمت نقد علمی و ساختاری تر فرمالیسم هدایت شد. تحول نگرش از فرم به‌عنوان ابزاری فرعی به خودمختاری شکل و زبان شاعرانه، همکاری نزدیک‌تر میان شاعران و زبان‌شناسان، و ظهور مفاهیم کلیدی چون «کارکرد شاعرانه»، همه و همه زمینه‌ساز شکل‌گیری مکتب فرمالیسم روسی بوده‌اند. این سخنان یاکوبسن به‌منزله فصل مهمی در تاریخ نظری نقد ادبی است و به غنای فهم ما از فرمالیسم روسی همراه با مبانی نظری آن کمک شایانی می‌کند.

۴-۷- بررسی و تحلیل سخنرانی هفتم^۱

یاکوبسن در این بخش از سلسله سخنرانی‌هایش، به ادامه بررسی تحولات زیبایی‌شناسی روسی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌پردازد و تمرکز خود را بر گذار از سمبولیسم به فوتوریسم و تغییر هم‌زمان به‌سوی زیبایی‌شناسی علمی و ذاتی به‌عنوان بنیان مکتب فرمالیسم قرار می‌دهد. وی ابتدا به تأمل بر جهان‌بینی سمبولیسم می‌پردازد که آن را از نظر تأثیر بر شکل‌گیری فرم شعری به‌مثابه موضوعی علمی، دارای نوعی دوگانگی می‌داند. از یک سو، تأکید سمبولیسم بر خودمختاری فرم شعری و کلمه شعری در برابر زبان کاربردی، زیربنای اساسی برای اصرار بر قوانین ذاتی و ویژگی‌های خاص فرم شعری فراهم آورد. این چهارچوب، هرگونه پیروی از واقعیت بیرونی غالب - صرف‌نظر از عرفان یا غیره - را به چالش کشید و ارزش‌های شعری را محصول خلاقیت هنری ناب معرفی کرد. در نتیجه، معیارهای ارزیابی باید در خود عمل خلاقانه جست‌وجو می‌شد و توجه بر توان نوآوری خلاقانه در نسبت با سنت قرار گرفت که در قالب غلبه یا فاصله‌گیری از قراردادهای وارده تبیین می‌شد.

باین‌حال، یاکوبسن نقد می‌کند که سمبولیست‌ها به تمایلشان برای بازتاب جهان مادی و محتوای موضوعی در تصاویر، ریتم و آرایش صوتی شعر می‌پرداختند و آن را در مقابل زیبایی‌شناسی نوظهوری قرار می‌دهد که به‌دنبال قوانین خودمختار در ساختار صوتی، ریتم، معناشناسی (ساختار معنا)، ترکیب‌بندی و داستان بود - قوانینی که

^۱ VI (конец) — VII (начало)

استقلال اثر را از هر عنصر بیرونی به شعر نشان می‌دادند. درحالی‌که این فرضیات نقطه آغاز بسیار خوبی برای تحلیل ذاتی شعر و توسعه داخلی آن بودند، به‌طور هم‌زمان شعر را منزوی و جداسازی کردند و از فرهنگ و زندگی اجتماعی به‌کل جدا ساختند. یاکوبسن اذعان دارد که این انتزاع تاحدی به‌عنوان روش «آزمایشگاهی» برای مطالعه بخشی دست‌ساز از فرهنگ مفید بوده است، ولی هشدار می‌دهد که این خطر را دارد که تصویری گمراه‌کننده از شعری تماماً خودبسنده، صرفاً تابع عملکرد زیبایی‌شناختی، مستقل و شناور در خلأ ارائه دهد.

یاکوبسن سپس فوتوریسم اولیه را هم به‌عنوان ادامه و هم به‌عنوان گرایشی مخالف سمبولیسم معرفی می‌کند. شعر فوتوریستی هرچند از بعد نظری خالی نبود – همان‌طور که از چندین بیانیه و اعلامیه، از جمله از سوی چهره‌های برجسته‌ای مانند خلبنیکوف و الکسی کروچونیکف^۱ آشکار است – اما از سمبولیسم به‌جهت ماهیت کمتر دانشگاهی و بیشتر عامه‌پسند، متفاوت بود. به‌عبارت دیگر؛ فوتوریست‌ها بیشتر با مخاطب عام در ارتباط بودند.

نکته مهم اینکه فوتوریست‌ها مرز عملکرد شعری را به‌وضوح از زبان اطلاع‌رسان و کاربردی جدا کردند و تفاوت اساسی میان شعر و روش‌شناسی علم شعری را به رسمیت شناختند؛ درحالی‌که برای سمبولیست‌ها این مرز بیشتر سیال بود. تأکید بر فن و ابزارهای فرمی در فوتوریسم غالباً آگاهانه‌تر بود و شاعران به‌دنبال همکاری با زبان‌شناسان هم‌فکر خود بودند، زیرا مسئله اصلی برای آنها زبان شعری و کلمه به‌عنوان چنین مسئله‌ای بود. این همسویی، راه را برای رابطه نزدیک بین فرمالیسم اولیه و شعر فوتوریستی باز کرد.

ظهور فرمالیسم در همین چهارچوب گسترده‌تر، در شکاف روش‌شناختی مهمی با پوزیتیویسم قرن نوزدهم قرار می‌گیرد که در حال افول بود. پرسش‌های «ریخت‌شناسانه» و «ژنتیکی» و علّیت جای خود را به پرسش‌های غایت‌شناسانه درباره هدف و نیت دادند – موضعی که برای شعر به‌عنوان شکلی از زبان آگاهانه و خلاق ضروری است. بحث یاکوبسن درباره مراحل پایانی شکل‌گیری مکتب فرمالیسم روسی اساساً بر تقدم «کلمه شعری» و مسائل

زبان‌شناسی به‌عنوان هسته مرکز توجه فرمالیست‌ها متمرکز است.

اگرچه منتقدان، فرمالیسم را به تمرکز تک‌بعدی بر عناصر صوتی متهم می‌کردند، اما این جریان، به‌سرعت حوزه توجه خود را توسعه داد و زبان را به سمت معنا و ارجاع و ساختارهای روایی، نزدیک‌تر کرد – معانی کلمات و ساختارهای داستانی (پلات). پرسش بنیادین تبدیل به تمایز نظری میان معنای لغوی و نسبت آن به واقعیت یا ارجاع، شد. یاکوبسن این اختلاف را با مثال‌هایی روشن می‌سازد: هنگام اشاره به ناپلئون ممکن است واژگان مختلفی مانند «ناپلئون»، «فاتح اوسترلیتز»، «زندانی جزیره سنت هلنا» یا اصطلاحاتی استعاری مانند «قیصر عصر جدید» به کار رود. اگرچه مرجع ثابت است، معناهای زبانی متفاوت‌اند و شامل سوژه‌نمایی و استعاره می‌شوند (Якобсон, 2011: 65). او این موضوع را به امر فیلم‌سازی تشبیه می‌کند که در آن «موضوع» (معنا) با «نماها» یا «صحنه‌های» گوناگون فیلم، که بخش‌ها، کنایات یا نشانه‌ای استعاری در نظام نشانه‌شناختی فیلم‌اند، متفاوت است:

«مثالی از یک سامانه نشانه‌ای غیرزبانی شاید بهتر این مسئله را نشان دهد: هر بیننده سینما می‌داند که بین موضوع اصلی و تصویر آن روی پرده تفاوت بزرگی هست. موضوع یکی است، اما روش‌های فیلمبرداری متعدد است؛ گاهی بخشی از موضوع یا جزئیاتی از آن به نمایش درمی‌آید [...] تنوع این نماها یکی از ارزش‌های اصلی هنر سینماست. به‌جای خود موضوع مهم می‌توان محیط پیرامونی آن را نیز به تصویر کشید [...]، چراکه این محیط ذهنیت مخاطب را نسبت به موضوع شکل می‌دهد» (Якобсон, 2011: 65).

این تشبیه، تفاوت بنیادین معنا و واقعیت ارجاعی در نظام‌های نشانه‌ای را برجسته می‌کند، تمایزی که فرمالیسم به‌ویژه درباره زبان شعری بر آن پافشاری داشت.

فرمالیست‌ها پیشگام مطالعه واحدهای معنایی برتر مانند ساختار داستان (plot) شدند. درحالی‌که تاریخ ادبی سنتی «پلات» را با «داستان» یا «افسانه» به‌مثابه محتوای غیرداستانی خلط می‌کرد، فرمالیست‌ها بر درک پلات

^۱ Алексей Елисеевич Крученых (Alexei Yeliseyevich Kruchenykh)

به‌عنوان جزئی از ساختار هنری (فرمی) اصرار داشتند. یاکوبسن با بازگشت به مطالعات سینمایی، پلات ادبی را به فیلم‌نامه سینمایی تشبیه می‌کند که شرح خطی داستان را به زبان فرمی و ترکیبی فیلم تبدیل می‌کند. نوشته‌های ویکتور اشکولوفسکی، به‌ویژه در نظریه نثر و تقسیم‌بندی ساخت پلات، در این زمینه همچنان اهمیت والایی دارند.

در حوزه معاشناسی شعری، فرمالیست‌ها دستاوردهای اصلی و ارزشمندی ارائه کردند و مسائل پیچیده معنایی فراتر از معناهای لغوی تا عبارت‌شناسی و واحدهای زبانی بزرگ‌تر را روشن ساختند. آنها نشان دادند که در شعر، روابط ارجاعی کلمات، جملات و کل عبارات ممکن است تضعیف شده یا حتی غایب باشد که زمینه مناسبی برای جست‌وجوی معنایی در حوزه زبان‌شناسی عمومی و نشانه‌شناسی فراهم می‌آورد. توجه ویژه‌ای به زمان و مکان به‌عنوان فرم‌های شعری داشتند و این عناصر را نه به‌عنوان مفاهیم انتزاعی، بلکه به‌عنوان پدیدارهای زبان‌شناسانه و نظام‌مند و مختص هر هنر تبیین کردند. نشانه‌شناسی تطبیقی که تفاوت‌های نمایش زمان در ادبیات، تئاتر، سینما و هنرهای تجسمی را بررسی می‌کند، از این دیدگاه پیشرفت کرد.

در مطالعات واج‌شناسی نیز پیشرفت چشمگیری حاصل شد. برای نمونه، کار لف یاکوبینسکی^۱ درباره تجمیع هم‌زمان صامت‌های نرم مشابه^۲ نشان داد که تمایل به تجمیع آگاهانه این صداها در زبان شعری وجود دارد، درحالی‌که در زبان عامیانه پراکندگی و تفاوت‌آفرینی صداها غالب است؛ که کاربردهای غایت‌مندانه و علی متفاوتی را نشان می‌دهد. زبان‌شناسان فرمالیست همچنین نشان دادند که عملکردهای واجی و معنایی در شعر جدایی‌ناپذیرند: قافیه، تکرار صداها و واج‌آرایی صرفاً پدیده‌های صوتی نیستند، بلکه با روابط عملکردی در زبان، از جمله صرف و نحو ارتباط دارند و ارتباط مستقیم با ساختار و معناهای زبانی نیز دارند. این رویکرد، انقلاب عمیقی در تصورات پیشین از صوت شعری که فقط ادا و آواشناسی صرف حساب می‌شد، به وجود آورد و آن را با نگرش واج‌شناختی مبتنی بر تضادهای عملکردی جایگزین کرد. همچنین نشان داد که عروض باید نه تنها بر پایه واج‌شناسی، بلکه بر اساس نقش‌های صوت در زبان سازماندهی شود. یاکوبسن اشاره می‌کند که فرمالیست‌ها

دیدگاه‌های قدیمی را با تلفیق تحلیل معنایی و واجی اصلاح کردند و شبکه‌های سلسله‌مراتبی ارزش‌های صوتی در شعر که با تفکیک معنایی متناظر بودند را شناختند.

این دوره از فرمالیسم نشان‌دهنده بلوغ این مکتب از تمرکز نخستین بر صوت و زائوم، به‌سوی پژوهشی همه‌جانبه، علمی و دقیق درباره ابعاد صوتی و معنایی زبان شعری است. روش سخت‌گیرانه آنها پایه‌های فرمی و زبان‌شناختی تحلیل نظام‌مند فرم شعری را پی‌ریزی کرد که جهشی تعیین‌کننده در مطالعات ادبی و زبان‌شناسی به شمار می‌رود.

۴-۸- بررسی و تحلیل سخنرانی آخر^۳

سخنرانی‌های رومن یاکوبسن تحولی بنیادین در فهم فرمالیسم روسی نسبت به زبان شعری ایجاد کرد و بر تعامل پیچیده میان صدا و معنا به‌عنوان اجزای جدانشدنی فرم شعری تأکید نمود. پس از تمرکز اولیه فرمالیست‌ها بر جنبه‌های صوتی و آوایی، به‌ویژه بر زبان زائومی فوتوریسم روسی، یاکوبسن به وارد کردن معاشناسی - مطالعه معنای لغات و ساختارهای روایی - به‌عنوان رکن اساسی تحلیل شعری پرداخته است. یکی از دستاوردهای مهم این مرحله، چنان‌که اشاره شد؛ تمایز دقیق میان معنای لغوی یک واژه و رابطه ارجاعی آن با واقعیت است. فرمالیست‌ها پرسش‌های خود را به واحدهای معنایی بزرگ‌تر مانند ساختار داستان گسترش دادند و آن را از «داستان» یا محتوای صرف جدا کردند و به‌عنوان پیرنگ و بخشی ضروری از ساختار رسمی و ترکیبی شعر به حساب آوردند. یاکوبسن به بررسی تحول سلسله‌مراتب ویژگی‌های غالب شعری در زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مختلف می‌پردازد؛ برای مثال، نقش متغیر قافیه، وزن هجایی و وحدت لهجه‌ای در شعر چک در طول قرون گوناگون که این انعطاف سلسله‌مراتبی موجب تغییر معیارهای شعری و نوآوری‌های ادبی شده و فرمالیست‌ها آن را بخشی اساسی از تحول ادبی تحلیل می‌کنند.

یاکوبسن در آثار خود به ویژه در دوره فعالیتش در چکسلواکی، تأکید زیادی بر واژگان مشخصی دارد که نقش کلیدی در بیان دیدگاه‌های او درباره پویایی فرهنگی و فرایندهای تغییر دارند. دو واژه برجسته در این زمینه، «boj»

^۳ [VII (конец) — VIII]

^۱ Лев Якубинский (Lev Yakubinsky)

^۲ Скопление одинаковых плавных

^۱ به معنای نبرد یا مبارزه و «výboj»^۲ که اشاره به پیشروی یا دستاورد دارد، هستند. در قلمرو اندیشهٔ یاکوبسن، واژهٔ «boj» به‌عنوان نماد اصلی نیروی محرکهٔ فرهنگ و عامل شکل‌دهنده به معنا و تحول مفاهیم شناخته می‌شود؛ یعنی همهٔ تغییرات و فرآیندهای فرهنگی از بستر درگیری و رقابت ناشی می‌شوند. از سوی دیگر، «výboj» گاهی در معنای نظامی به کار رفته و با مفاهیمی چون هجوم یا یورش مرتبط می‌شود، اما اغلب نشان‌دهندهٔ انگیزه و تحریک فکری، نوآوری و تأثیرگذاری است که ممکن است بدون خشونت صورت گیرد. این دو واژه، علاوه بر بار معنایی اصلی‌شان، در حدی برای یاکوبسن اهمیت داشته‌اند که نمادین‌ترین اصطلاحات برای بیان روند پیشرفت هنر و تفکر جدید به شمار می‌آیند. این ایده در نگاه یاکوبسن به هنرهای پیشرو و نوگرا انعکاس می‌یابد؛ به گونه‌ای که نه تنها به گذشته تعمیم داده می‌شود، بلکه تحولات قرون هفدهم و نوزدهم را نیز به مثابه میدان مبارزات فرهنگی و سیاسی تحلیل می‌کند. این تقارن میان پدیده‌های هنری و سیاسی زمینه‌ای فراهم می‌آورد که آن‌ها را در چهارچوب مواجهه‌های جدی و مستمر قابل مقایسه نماید. همچنین در دیدگاه یاکوبسن، رابطهٔ ادبیات با واقعیت نیز تابع قواعد مبارزه است و مفاهیمی چون «boj» و «výboj» به ترتیب به عمل مبارزه‌جویانه و پیشروی نظامی یا معنوی اشاره دارند. این دو واژه در لایه‌های مختلف معنایی، از فعالیت نظامی تا تلاش‌های فکری و هنری قابل خوانش هستند و نشان می‌دهند که چگونه ایده‌های نظری و کارکرد فرهنگی آنها با مفاهیم جنگ و فتح پیوند خورده‌اند. یاکوبسن در آغاز سلسله درس‌های خود، «فتح»^۳ را به معنای تأثیر فرمالیسم در علوم انسانی می‌داند؛ تحولی که زمینه‌ساز تغییرات اساسی در رشته‌های مختلف علمی و هنری شده است (Якобсон, 2011: 115-116). بررسی کاربرد این واژگان در متن‌های یاکوبسن روشن می‌کند که او با بهره‌گیری از زبان پر از کنایه و نماد، تلاش می‌کند از طریق زبان، فرایندهای تغییر فرهنگی و دانشی را تبیین و برجسته نماید؛ مفهومی که فراتر از توصیف صریح، در معنای ضمنی و ساختار زبانی

متن‌هایش نیز حضور دارد و به‌عنوان لایه‌ای موازی و تعلیقی در تأویل آثارش عمل می‌کند.

گشتالتی‌ها در حوزهٔ روان‌شناسی می‌گویند: «ذهن انسان، اشیاء و موجودات در جهان را به صورت تکه‌پاره‌هایی بی‌ارتباط با یکدیگر درک نمی‌کند. بلکه آنها را به صورت هیئت‌هایی از اجزاء و موضوعات یا کلیت‌های معنی‌دار و سازمان‌یافته در می‌یابد» (سلدن و ویدسون، ۱۳۷۷: ۶۷). یاکوبسن با استناد به روان‌شناسی گشتالت، بر این نکته تأکید می‌کند که اثر شعری یک کل گشتالتی جامع است که ویژگی‌های نوظهور دارد و قابل تقلیل به اجزای فردی نیست. نشانهٔ شعری به‌عنوان یک کل نشانه‌شناختی یکپارچه عمل می‌کند که صدا و معنا در آن به صورت پویا با هم ترکیب می‌شوند و اثرات زیبایی‌شناختی خلق می‌کنند. مهم‌تر اینکه، فرمالیست‌ها مخالفت کردند که روابط صوت-معنا در زبان کاربردی به صورت یکسان به شعر تسری یابد؛ بلکه آنها به تحلیل دقیق و علمی واج‌شناسی و معناشناسی مختص زبان شعری پرداختند. قافیه، واج‌آرایی و تکرارهای صوتی به‌عنوان ابزارهای معناشناختی زبان مطرح شدند که زمینه‌های صوتی و معنایی را پیوند می‌دهند و بافت نشانه‌شناختی متمایز شعر را برجسته می‌سازند.

این پیشرفت‌های نظری پایه‌های ضروری را برای رویکردهای ساختارگرایانه و نشانه‌شناختی بعدی در ادبیات و زبان ایجاد کردند و زبان شعری را به‌عنوان موضوعی علمی با سلسله مراتبی عملکردی و قوانین ذاتی معرفی کردند. «پس از مداخلهٔ نازیسم در حلقهٔ زبانی پراگ، یاکوبسن و رنه ولک و تعداد دیگری از اعضای این گروه به ایالات متحدهٔ آمریکا مهاجرت کردند و تأثیراتی بر روش نقد نو^۴ گذاشتند و پس از آن ساختارگرایان از نظریه‌های آنها بسیار متأثر شدند، به گونه‌ای که در دههٔ ۱۹۵۰ روش نقد ساختارگرایی، روش مسلط نقد در اروپا بود» (محمدیان، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

سخنرانی‌های یاکوبسن همچنین روند گسترش تدریجی فرمالیسم از مطالعات اولیهٔ متمرکز بر صوت به مطالعات شامل معناشناسی، فرم روایی و در نهایت مفهوم بنیادین وجه غالب را بازتاب می‌دهد که اهمیت نظری و روش‌شناختی آن

^۴ نقد نو که جریانی است در اوایل قرن بیستم در آمریکا، از اصول مشترکی مانند «انگاشتن ادبیات به‌عنوان صورتی اندام‌واره، توجه خاص و دقیق نسبت به صورت» پیروی می‌کرد (مقدادی، ۱۳۹۳: ۵۰۰).

^۱ бой, борьба

^۲ импульс, завоевание, достижение

^۳ завоевание

جایگاه فرمالیسم را به عنوان یک رشته علمی و سختگیر تثبیت کرد.

فرمالیسم روسی نه تنها به دلیل محدودیت‌های سیاسی، بلکه به خاطر پیچیدگی‌های نظری و چالش‌های درونی نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو بود. در دهه‌های بعد، برخی از اعضای این مکتب مانند اشک洛夫سکی با افسردگی و احساس تنهایی فکری مواجه شدند و از کمبود پیروان و نسل جدید اظهار ناامیدی می‌کردند (Шкловский, 1983: 214). با وجود این، آثار و نظریات فرمالیست‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر توسعه نقد ادبی، زبان‌شناسی و رویکردهای پسا مدرن و ساختارگرایی گذاشت. نهایتاً فرمالیسم، با همه محدودیت‌ها و چالش‌هایش، به عنوان پایه‌ای برای نظریات ادبی نوین و درک علمی‌تر زبان و فرم تأثیرگذار باقی ماند و میراث آن همچنان در مطالعات ادبی معاصر مورد توجه است. این سرنوشت، همراه با روح انقلابی، خودآگاهی علمی و همچنین دشواری‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره، چهره‌ای پیچیده و تاریخی از فرمالیسم روسی به نمایش می‌گذارد که تلفیقی از نوآوری در نظریه و مصائب واقعیت تاریخی بوده است.

۵- نتیجه‌گیری

بررسی مجموعه سخنرانی‌های یاکوبسن درباره مکتب فرمالیسم روسی، تصویر روشنی از نقش بنیادین این مکتب در تحول نقد ادبی مدرن ارائه می‌دهد. فرمالیسم، در چهارچوب مطالعات یاکوبسن، به عنوان جریانی نوین معرفی می‌شود که نقد ادبی را از مرزهای صرف تاریخی و ایدئولوژیک عبور داده و با طراحی چهارچوبی میان‌رشته‌ای، زبان و فرم شاعرانه را به عنوان میدان اصلی پژوهش‌های علمی قرار می‌دهد. این رویکرد با تأکید بر تحلیل دقیق ساختارهای صوتی، معنایی و روایی، توانست رابطه پیچیده میان اجزای مختلف متن شعر را بازشناسی کند و بدین ترتیب، فرمالیسم زبان شاعرانه را نه فقط به عنوان وسیله‌ای برای انتقال معنا، بلکه به مثابه نظامی پویا و خلاق مورد مطالعه قرار داد. یکی از بدیهی‌ترین نوآوری‌های فرمالیسم که در سخنرانی‌های یاکوبسن برجسته شده، تمایز بین معنای لغوی کلمه و ارتباط آن با واقعیت عینی است که به کمک این تفکیک، این مکتب توانست ساختار نشانه‌ها را در زبان ادبی به شکلی علمی‌تر مورد توجه قرار دهد. همچنین، یاکوبسن به اهمیت رویکرد نشانه‌شناسانه فرمالیست‌ها در گسترش دامنه تحقیقات خود فراتر از زبان،

به مقایسه میان گونه‌های مختلف هنر، از جمله موسیقی، سینما و نقاشی اشاره می‌کند. این تغییر موازنه پژوهشی، زمینه‌ای فراهم کرد تا مطالعات ادبی نه تنها به شکل علوم انسانی کلاسیک، بلکه به عنوان جزئی از علم نشانه‌شناسی جهانی مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، مکتب فرمالیسم با وجود موفقیت‌های قابل توجه، با محدودیت‌ها و تناقضات درونی نیز مواجه بود. تأکید بیش از حد در برخی دوره‌ها بر استقلال مطلق فرم از بافت فرهنگی-اجتماعی، باعث شد که بعد بوم‌شناختی هنر کم‌رنگ شود و نقد عمیق نسبت به نقش اجتماع و تاریخ در شکل‌گیری فرم و معنا کمتر مورد توجه قرار گیرد. یاکوبسن ضمن نقد این رویکردهای یک‌جانبه، ضرورت نگاه دیالکتیکی و مکمل به هم‌زمانی فرم، معنا و زمینه را یادآور می‌شود که می‌تواند به تکمیل و توسعه بیشتر نظریه‌های نقد ادبی کمک کند. سخنرانی‌های یاکوبسن به روشنی نشان می‌دهد که فرمالیسم چگونه با تلفیق عمیق میان زبان‌شناسی جدید، فلسفه زبان و مطالعات ادبی، به درک وحدت میان فرم و محتوا دست یافت و به بازتعریف مفهوم «زبان شاعرانه» اقدام کرد. این نگرش توانست نقد ادبی را از وضعیت بالقوه جزئی‌نگرانه و گاه پراکنده، خارج کرده و به حوزه‌ای نظام‌مند، علمی و قابل تعمیم به دیگر هنرها تبدیل نماید. در پاسخ به پرسش‌های اصلی پژوهش، باید گفت فرمالیسم روسی، بر اساس تحلیل‌های یاکوبسن، صرفاً به بررسی ویژگی‌های ظاهری شاعرانه اکتفا نکرد، بلکه تلاش نمود تا با احاطه بر ساختارهای درونی و کارکردی زبان هنری، نقدی پژوهش‌محور و هدفمند فراهم آورد. افزون بر این، فرمالیسم شرحی روشن از تحولات تاریخی و دگرگونی معیارهای ادبی در دوره‌های مختلف ارائه کرد. فرمالیسم بر اساس آموزه‌های یاکوبسن توانست دستاوردهای متعددی در تقویت نقد ساختاری و زبان‌شناسانه ارائه دهد. این مکتب با تأکید بر تحلیل نظام‌مند اجزای صوتی، نحوی، معنایی و نشانه‌شناسی متن، راه را برای بازخوانی نوین آثار ادبی هموار کرد و نقد ادبی را از رویکردهای صرفاً محتوایی و تاریخی به سطحی علمی، قابل آموزش و تکرار سوق داد. وی همچنین نشان داد که فرمالیسم با معرفی مفاهیمی همچون «کارکرد شاعرانه»، توانست فرایند شکل‌گیری فرم شعری و تغییرات تاریخی آن را به شیوه‌ای دقیق مدل‌سازی کند. این پژوهش تأکید دارد که میراث یاکوبسن و مکتب فرمالیسم به عنوان

رابط میان زبان‌شناسی ساختاری و نقد ادبی مدرن، جایگاهی استراتژیک در دانش نوین نقد ادبی دارد. بازخوانی دقیق این دیدگاه‌ها، هم برای فهم عمیق‌تر آثار ادبی و هم برای توسعه رویکردهای نظری و روش‌شناختی نقد ضروری است. فرمالیسم، با تمام پیچیدگی‌ها و چالش‌های نظری‌اش، همچنان منبعی الهام‌بخش برای پژوهشگران حوزه ادبیات و زبان‌شناسی است که به دنبال تعمیق فهم خود از ساختار، معنا و عملکرد زبان در هنر هستند. تأثیر عملی سخنرانی‌های یاکوبسن در نقد ایران، ترغیب به توجه هم‌زمان به فرم و محتوا، شناخت زبان به عنوان یک سیستم پیچیده و چندسطحی، و توسعه توان تحلیلی و نظری منتقدان است تا بتوانند آثار را از دیدگاه‌های نو و مرکزی‌تر نسبت به زبان و ساختارشان بررسی کنند.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). *ساختار و تأویل متن*. چاپ نهم. تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۹۱). *حقیقت و زیبایی*. چاپ بیست و چهارم. تهران: مرکز.
- ارجی، علی‌اصغر. (۱۳۹۴). *زیباشناسی و نقد ادبی و شفيعی کدکني. هشتمين همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی*.
- امن‌خانی، عیسی. (۱۳۹۷). *رستاخیز کلمات: اثری در دفاع از فرمالیسم، نقدی بر کتاب رستاخیز کلمات: درس‌گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورتگرایان روس. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۸(۲)، ۴۷-۶۷.
- اوحدی، مسعود. (۱۳۸۷). *فرمالیسم و نقد فیلم: فصلنامه هنر، ش ۷۵*.
- بامشادی، پارسا و داوری اردکانی، نگار. (۱۳۹۸). *رمزگردانی و ارتباط آن با دیگر پدیده‌های حاصل از برخورد زبانی. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*، دوره ۹(۱)، ۲۵-۵۲.
- پین، مایکل. (۱۳۸۳). *فرهنگ اندیشه انتقادی*. ترجمه پیام یزدانجو. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۸۵). *یاکوبسن، وجودی حاضر و غایب. نامه فرهنگستان*، ۲(۸)، ۹۴-۸۴.

خواجوی، مهوش و طهماسبی، فرهاد. (۱۳۹۳). *بررسی نشانه‌شناختی شعر «مسافر» سپهری بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا؛ الگوی ریفاتر و یاکوبسن. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*، ۴(۲)، ۲۱۵-۲۴۲.

سلدن، رامان و ویدسون، پیتر. (۱۳۷۷). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو.

شاه‌کویی، محمدحسن. (۱۳۹۳). *فرمالیسم روسی و تناقض‌های فلسفی*. تهران: رسانش نوین.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *نقد ادبی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فردوس.

شفيعی کدکني، محمدرضا. (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات. درس‌گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورتگرایان روس*. چاپ سوم. تهران: سخن.

مصمصام، حمید و شیخ‌زاده، نازنین. (۱۳۹۵). *برجسته‌سازی در شعر اخوان ثالث. فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی*، ۱۲(۶)، ۴۸-۷۰.

محمدیان، عباس. (۱۳۸۸). *شفيعی کدکني و شکل‌گرایی. بوستان ادب (شعر پژوهی - علوم اجتماعی و انسانی)*، ۱(۲)، ۱۰۳-۱۳۱.

مقدادی، بهرام. (۱۳۹۳). *دانشنامه نقد ادبی: از افلاتون تا به امروز*. تهران: چشمه.

نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۰). *کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*، دوره ۱(۲)، ۹۴-۸۱.

یاکوبسن، رومن؛ راجر، فالور؛ و لاج، دیوید. (۱۴۰۱). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

یاکوبسن، رومن. (۱۳۹۴). *گفتگوهای یاکوبسن و پومورسکا*. ترجمه فرهاد ساسانی. تهران: نویسه پارسی.

یاکوبسن، رومن. (۱۳۹۹). *روندهای بنیادین در دانش زبان*. ترجمه کوروش صفوی. تهران: هرمس.

Ahmadi, Babak. (2007). *Structure and Interpretation of Text* (9th ed.). Tehran: Nashr Markaz.

Ahmadi, Babak. (2012). *Truth and Beauty* (24th ed.). Tehran: Markaz.

International Journal of Philosophy of Culture and Axiology, 2(12), 61-72.

Haghshenas, A. (2006). Jakobson, a Present and Absent Existence. *Nameh Farhangestan*, 2(8), 84-94.

Jakobson, R., Fowler, R., & Lodge, D. (2022). *Linguistics and Literary Criticism* (M. Khouzan & H. Paeende, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Nashr-e Ney.

Jakobson, R. (2015). *Jakobson and Pomorska Conversations* (F. Sasani, Trans.). Tehran: Nevise-ye Parsi.

Jakobson, R. (2020). *Fundamental Trends in the Science of Language* (K. Safavi, Trans.). Tehran: Hermes.

Khajavi, Mahvash, & Tahmasbi, Farhad. (2014). Semiotic Study of Sohrab Sepehri's Poem "Passenger" Based on Structuralist Semiotics: Reifater and Jakobson Model. *Linguistic Research in Foreign Languages*, 4(2), 215-242.

Mohammadian, Abbas. (2009). Shafiei Kadkani and Formalism. *Bustan-e Adab (Poetry Research - Social and Human Sciences)*, 1(2), 103-131.

Meqdadi, Bahram. (2014). *Encyclopedia of Literary Criticism: From Plato to Present*. Tehran: Cheshmeh.

NabiLou, Alireza. (2011). Application of Michael Reifater's Semiotic Theory in Analyzing Nimā's Poem "Phoenix." *Linguistic Research in Foreign Languages*, 1(2), 81-94.

Pein, Michael. (2004). *Culture of Critical Thought* (Trans. Payam Yazdanjoo). Tehran: Nashr Markaz.

Samsam, Hamid, & Sheikhzadeh, Nazanin. (2016). Emphasis in the Poetry of

Arji, Ali-Asghar. (2015). Aesthetics, Literary Criticism, and Shafiei Kadkani. *The 8th Conference on Persian Language and Literature Research*.

Amn-Khani, Isa. (2018). The Resurrection of Words: A Defense of Formalism—A Critical Review of the Book "The Resurrection of Words: Lectures on the Literary Theory of Russian Formalists." *Critical Journal of Texts and Humanities Programs*, 18(2), 47-67.

Bamshadi, Parsa, & Davari Ardakani, Negar. (2019). Cryptanalysis and Its Relation to Other Phenomena of Linguistic Interaction. *Linguistic Research in Foreign Languages*, 9(1), 25-52.

Bradford, R. (1994). *Roman Jakobson: Life, Language, Art*. London: Routledge.

Dahmardeh M. & Mahdikhani A. (2025). Cultural representation in English language textbooks: A comparative study of local and international editions. *International Journal of Language Studies*, 19(1), 53-76.

Dahmardeh M. & Kim S. (2020). Cultural Competence: Interculture, Transculture, and Metaculture. *Episteme-A Journal of Individual and Social Epistemology*, 23(2), 156-179.

Dahmardeh M. & Kim S. (2021). An analysis of the representation of cultural content in English coursebooks. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 13(14).

Dahmardeh M. & Parsazadeh H. (2015). Language and Culture: Can we shape what the future holds? *Cultura-*

- Хализев, В. Е., & Холиков, А. А. (2015). Парадоксы и «плодотворные крайности» русского формализма (методология / мировоззрение). *Вестник Московского университета. Серия 9. Филология*, № 1.
- Шкловский, В. (1915). Предпосылки футуризма. *Голос жизни*, № 18.
- Шкловский, В. (1919). Об искусстве и революции. *Искусство коммуны*, № 17, с. 2–3.
- Шкловский, В. (1983). Перечитывая свою старую книгу... *Вопросы литературы*, № 11.
- Шкловский, В. (1990). О поэзии и заумном языке. В: *Гамбургский счет: Статьи – воспоминания – эссе (1914–1933)*. Москва: Советский писатель.
- Эрлих, В. (1992). Наследие ОПОЯЗа. *Филологические науки*, № 5–6.
- Якобсон, Р. (1919/1921). *Работы по поэтике*. ост. и общ. ред. М. Л. Гаспарова. -М.: Прогресс.
- Якобсон Р. О. (2011). *Формальная школа и современное русское литературоведение* / Ред.-сост. Т. Гланц; Ред. Д. Сичинава; Перев. с чеш. Е.Бобраковой-Тимошкиной. — М.: Языки славянских культур.
- Яхьяпур, М.; Карими-Мотаххар, Дж.; Шустова, С.В. (2023). Влияние лермонтовской традиции на современного иранского поэта Шафии Кадкани. *Филологические науки*, 5. 63-70.
- Яхьяпур, М.; Карими-Мотаххар, Дж.; Эсмаили, С. (2010). О влиянии В.В. Маяковского на творчество Akhavan Sales. *Specialized Quarterly of Persian Language and Literature*, 12(6), 48-70.
- Selden, Raman & Widdison, Peter. (1998). *Guide to Contemporary Literary Theory* (Trans. Abbas Mokhber). Tehran: Tarhe No.
- Shahkoui, Mohammad Hassan. (2014). *Russian Formalism and Philosophical Contradictions*. Tehran: Resanesh Novin.
- Shamisa, Siros. (2004). *Literary Criticism* (4th ed.). Tehran: Ferdows Publications.
- Ohadi, Masoud. (2008). Formalism and Film Criticism. *Art Quarterly*, No. 75.
- Кроче, Б. (1920). *Эстетика как наука о выражении и как общая лингвистика*. Часть 1. Москва.
- Овчаренко, А. Ю., & Депретто, К. (2013). Формализм в России. *Вестник РУДН. Серия Вопросы образования: языки и специальность*, № 1.
- Парамонов, Б. М. (1995). Формализм: метод или мировоззрение? *Новое литературное обозрение*, № 14, с. 35-55. https://philologos.narod.ru/tynyanov/param_fmmethod.htm
- Переверзев, В. Ф. (1982). «Социологический метод» формалистов. В: *Гоголь. Достоевский. Исследования*. Москва.
- Троцкий, Л. Д. (1923). *Литература и революция*. Москва.
- Тынянова Ю. и Эйхенбаума Б. (1984). Из переписки Ю. Тынянова и Б. Эйхенбаума с В. Шкловским / Вступительная заметка, публикация и комментарии О. Панченко // *Вопросы литературы*. № 12.

современного иранского поэта А.
Шамлу. *Русский язык за
рубежом*, 4 (221). С. 76-81.

<https://www.nasour.net>.

<https://studfile.net/preview/9059882/page:7/>